



Islamic Maaref University

Scientific Journal


PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 17, Autumn 2024, No. 65

## The ideology of Behavioral Ethics – Ijtihadism and Education in Iranian Seminaries in the Last One Hundred Years

Mahdi Alizadeh<sup>1</sup>

1. Assistant Professor, Department of Ethics and Education,  
Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.  
*alizadeh110111@gmail.com*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article    <b>Received:</b> 2024.09.26 <b>Accepted:</b> 2024.11.14	<p>In reviewing the history of thought of Muslim ethical scholars, three currents and four approaches can be distinguished from each other: rationalist, textualist, and mystical currents, which have respectively formed the approaches of rational ethics, traditional ethics, mystical ethics, and their combination, the approach of integrated ethics. The continuation of the scientific efforts of Muslim scholars in the long-standing scientific institution of the seminaries, after hundreds of years of ups and downs, has witnessed the formation of eight scientific movements in its final stage. These movements have been the result of the scientific activity and educational concerns of Shiite scholars in the seminaries of Iran. These movements are: From the behavioral-mystical trend, the trend of ijtihad ethics, the trend of practical promotion of moral knowledge, the trend of prayer and rituals, and the trend of social education, the Islamic theological-juridical trend, the modern philosophical trend (moral philosophy), and the scientific-empirical trend. The present study, using the method of intensive content analysis and a holistic approach, briefly describes and explains the first five trends and leaves the next three trends to independent research due to their breadth and intra-discursive diversity. This article is responsible for drawing the focal point of each discourse and introducing the most important figures and works of each of the five currents.</p>
<b>Keywords</b>	Ethical ideology ; Behavioral-mystical ethics approach; Educational ethics approach; Cognitive ethics approach; Ijtihad ethics approach; Social-emotional ethics approaches, Iranian seminaries.
<b>Cite this article:</b>	Alizadeh, Mahdi (2024). The ideology of Behavioral Ethics - Ijtihadism and Education in Iranian Seminaries in the Last One Hundred Years. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (3). 53-86. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a>
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## تحليل التيارات الأخلاقية السلوكية - الاجتهادية والتربوية في الحوزات العلمية الإيرانية خلال القرن الأخير

مهدي عليزاده<sup>١</sup>

١. أستاذ مساعد في قسم الأخلاق والتربية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

alizadeh110111@gmail.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	يمكن التعرف على ثلاثة تيارات وأربع مقاربات في دراسة تاريخ فكر الباحثين المسلمين في مجال الأخلاق: التيارات العقلانية والنصية والعرفانية، التي تشكل على التوالي المقاربات الأخلاقية العقلانية والنقلية والعرفانية ودمجها المقاربة المدمجة الأخلاقية. إن استمرار الجهود العلمية للعلماء المسلمين في المؤسسة العلمية العريقة أي الحوزات العلمية، بعد مئات السنين من الصعود والهبوط، أدى إلى تشكيل ثمانية تيارات علمية في المرحلة الأخيرة، ما هي نتيجة للأنشطة العلمية والاهتمامات التربوية لعلماء الشيعة في الحوزات العلمية الإيرانية. تشمل التيارات على: التيار السلوكي العرفاني والتيار الأخلاقي الاجتهادي والتيار الترويجي لتطبيق المعارف الأخلاقية والتيار الدعائي والعبادي والتيار التربية الاجتماعية والتيار الكلامي الحكمي الإسلامي والتيار الفلسفي الحديث (الفلسفة الأخلاقية) والتيار العلمي التجريبي. يقوم البحث الحالي باستخدام منهج التحليل الموضوعي المركز والمنهج الشمولي، بالوصف والشرح الموجز للتيارات الخمسة الأولى، وترك الاتجاهات الثلاثة الباقية من أجل نطاقها الواسع والتنوع في الخطاب، لبحث مستقل. تتكفل هذه المقالة برسم النقطة المحورية لكل خطاب وتقديم أبرز الشخصيات والآثار لكل من التيارات الخمسة.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٣/٢٢	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٥/١٢	
الألفاظ المفتاحية	تحليل التيارات الأخلاقية، المقاربة الأخلاقية السلوكية العرفانية، المقاربة الأخلاقية التربوية، المقاربة الأخلاقية المعرفية، المقاربة الأخلاقية الاجتهادية، المقاربات الأخلاقية الاجتماعية الملحمية، الحوزات العلمية الإيرانية.
الاقتباس:	عليزاده، مهدي (١٤٤٦). تحليل التيارات الأخلاقية السلوكية - الاجتهادية والتربوية في الحوزات العلمية الإيرانية خلال القرن الأخير. مجلة علمية النشرة الأخلاقية. ١٧ (٣). ٨٦-٥٣. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a>
رمز DOI:	<a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a>
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



# پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۷، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۶۵

## جریان‌شناسی اخلاق سلوکی - اجتهادی و تربیتی حوزه‌های علمی ایران در یکصد سال اخیر

مهدی علیزاده<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

alizadeh110111@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۵۳ - ۸۶)</p> 	<p>در بازخوانی تاریخ اندیشه اخلاق پژوهان مسلمان می‌توان سه جریان و چهار رویکرد را از یکدیگر بازشناخت: جریان‌های عقل‌گرا، نص‌گرا و جریان عرفانی که به ترتیب رویکردهای اخلاق عقلی، اخلاق نقلی، اخلاق عرفانی و با ترکیب آنها رویکرد اخلاق تلفیقی را شکل داده‌اند. امتداد تلاش‌های علمی عالمان مسلمان در نهاد علمی دیرپای حوزه‌های علمی پس از صدها سال فراز و نشیب در آخرین ایستار خود، شاهد شکل‌گیری هشت جریان علمی بوده است. این جریان‌ها حاصل کنش‌ورزی علمی و دغدغه‌های تربیتی عالمان شیعه در حوزه‌های علمی ایران بوده است. این جریان‌ها عبارت‌اند از جریان سلوکی - عرفانی، جریان اخلاق اجتهادی، جریان ترویج عملی معارف اخلاقی، جریان دعایی و مناسکی و جریان تربیت اجتماعی، جریان کلامی - حکمی اسلامی، جریان فلسفی نوین (فلسفه اخلاقی) و جریان علمی - تجربی. پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون فشرده و رهیافت کل‌نگر به توصیف و تبیین کوتاه پنج جریان نخست پرداخته و سه جریان بعدی را به جهت گستردگی و تنوع درون‌گفتمانی به تحقیق مستقلی واگذارده است. این مقاله عهده‌دار ترسیم نقطه کانونی هر گفتمان و معرفی مهم‌ترین چهره‌ها و آثار هر یک از جریان‌های پنج‌گانه است.</p>
<p>واژگان کلیدی</p>	<p>جریان‌شناسی اخلاقی، رویکرد اخلاق سلوکی - عرفانی، رویکرد اخلاق تربیتی، رویکرد اخلاق معارفی، رویکرد اخلاق اجتهادی، رویکردهای اخلاق اجتماعی - حماسی، حوزه‌های علمی ایران.</p>
<p>استناد:</p>	<p>علیزاده، مهدی (۱۴۰۳). جریان‌شناسی اخلاق سلوکی - اجتهادی و تربیتی حوزه‌های علمی ایران در یکصد سال اخیر. پژوهشنامه اخلاق، ۱۷ (۳)، ۵۳ - ۸۶. DOI: <a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a></p>
<p>کد DOI:</p>	<p><a href="https://doi.org/10.22034/17.65.51">https://doi.org/10.22034/17.65.51</a></p>
<p>ناشر:</p>	<p>دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

### طرح مسئله

تربیت انسان، هدف عالی تعلیم اسلامی است و تمامی دستورات فردی و اجتماعی اسلام، در پی این هدف هستند. قرآن کریم حاوی آموزه‌هایی است که انسان را به منزل مقصود کمال می‌رساند و از ظلمت می‌رهانند. برای رسیدن به این مقصود، خداوند، رسولان خود را با تجهیز کردن به کتاب و حکمت، برای تعلیم و تربیت انسان فرستاد (جمعه / ۲) تا انسان با اختیار خویش، راه صلاح و رستگاری خویش را برگزیند (بقره / ۲۵۶). حوزه‌های علمیه در راستای تحقق این مأموریت، از دیرباز اهتمام جدی به تهذیب نفس و علم اخلاق داشته‌اند و آموزش اخلاق را در کنار احکام و عقاید، به عنوان رکن مهمی از مباحث حوزه‌های علمیه در دستور کار قرار داده‌اند. برخی از علمای جلیل‌القدر اخلاق، در بیان منزلت تخلق به اخلاق، آن را در کنار علم فقه و حتی برتر از آن برشمردند و عدم توجه به تزکیه نفس را از بلاهای گمراه‌کننده می‌دانستند (ر. ک: صالح مازندرانی، بی‌تا: ۸ / ۲۸۹). حاصل این تلاش‌ها تألیف ده‌ها جلد کتاب اخلاقی - تربیتی و پرورش فضلا و معلمان اخلاقی است که هر یک سردمدار و داعیه‌دار جریان‌های اخلاقی - تربیتی در یکصد سال اخیر در حوزه علمیه شدند.

نگارنده با مروری بر پیشینه ادبیات مرتبط با این موضوع، به پژوهشی دست نیافت که دسته‌بندی روشنی از رویکردهای اخلاقی - معنوی شکل گرفته در حوزه‌های علمیه ارائه کرده باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تبیینی، و گردآوری داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی، به گونه‌شناسی مهم‌ترین جریان‌های اخلاقی - معنوی شکل گرفته در بستر حوزه‌های علمیه ایران می‌پردازد.

به‌طور کلی هشت رویکرد کلی در حوزه اخلاق و تربیت در یکصد سال اخیر در حوزه‌های علمیه شکل گرفته است: ۱. رویکرد سلوکی - عرفانی؛ ۲. رویکرد علمی - اجتهادی؛ ۳. جریان سنتی ترویج نظری و عملی معارف اخلاقی اسلام؛ ۴. رویکرد دعایی و مناسکی؛ ۵. رویکرد تربیت اجتماعی؛ ۶. رویکرد کلامی - حکمی اسلامی؛ ۷. رویکرد فلسفی نوین (فلسفه اخلاقی)؛ ۸. رویکرد علمی - تجربی.

ذیل هر یک از این رویکردها، جریان‌هایی وجود دارد. در مورد نحوه تاثیرگذاری این جریانات، باید به تفاوت‌هایشان در نوع نگرش به اخلاق و تربیت توجه کرد.

با عنایت به حجم زیاد مطالب، نگارنده معرفی توصیفی - تحلیلی سه جریان ششم، هفتم و هشتم را در مقاله دیگری پی گرفته است. اکنون به معرفی پنج جریان نخست می‌پردازیم:

### الف) جریان سلوکی - عرفانی

اخلاق سلوکی هدف خود را الله و یا فناء فی الله قرار می‌دهد. اخلاق سلوکی که با عنوان اخلاق عرفانی

نیز از آن یاد می‌شود، مبتنی بر نوعی از انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است. در مبانی انسان‌شناسی عرفانی، نفس انسان دارای لایه‌های طولی است؛ برخلاف اخلاق فلسفی که انسان را دارای قوای سه‌گانه ناطقه، شهویه و غضبیه در عرض یکدیگر می‌داند. ترسیم لایه‌های ده‌گانه طولی نفس انسان در کتب عرفانی، تبیینی قوی برای این حقیقت است که سلوک، یک سیر انفسی است؛ در واقع در سلوک ما با اتحاد سیر، سایر و مسیر روبه‌رو هستیم و فرد سالک، با سلوک خود از لایه‌های نفس خویش عبور می‌کند. مراحل سلوک متناظر با لایه‌های نفس است و متناسب با هر لایه و مرحله، احکام و الزامات اخلاقی خاصی مطرح می‌شود (حکیم، ۱۳۴۰: ۲۳۱).

اخلاق سلوکی از مبانی معرفت‌شناختی عرفانی برخوردار است. در این رویکرد شهود نقش منبع محوری را در کسب معرفت ایفا می‌کند. در شناخت خوب و بد و درست و نادرست اخلاقی مهم‌ترین منبع همان شهود در کنار کشف تام محمدی (قرآن) است.

فضایل اخلاقی در اخلاق عرفانی براساس معرفت عمیق توحیدی (وحدت شهود یا وحدت وجود نه وحدت موجود) و در لایه انگیزش بر پایه محبت عمیق الهی یا همان عشق به خداوند متعال شکل می‌گیرد. در این رویکرد، گام‌هایی برای سیر و سلوک ذکر شده به‌طوری‌که پیمودن هریک از منازل مطرح در سلوک، متوقف بر به فعلیت رساندن درجات قبلی است و تا یک مرتبه از منازل و مقاماتی که در درون خود دارد به فعلیت نرسد، حرکت به سوی منزل بعدی کاری بی‌نتیجه خواهد بود. برای شکل‌گیری این جریان اخلاقی در حیات یکصد ساله اخیر حوزه علمیه قم، می‌توان دو سرچشمه بازجست: نخست سلسله علمای ربانی نجف و دوم حکمای متأله و عرفای بالله تهران. اینکه این دو سرچشمه تفاوت جدی دارند یا خیر، جای تحقیق بیشتر دارد.

#### ۱. مکتب نجف

جریان مهم در رویکرد سلوکی عرفانی، جریان مکتب نجف است. منظور از مکتب یا طریقه اخلاقیون نجف، طبقاتی از رجال و علمای دوره قاجار و پس از آن‌اند که به سلوک معنوی و اخلاقی توجه داشته‌اند (شیخ، ۱۳۹۴). این مکتب، شامل یک سلسله از علمای شیعه است که سلسله جنبان آن آیت‌الله سید علی شوشتری است و پس از ایشان شامل شاگردان و شاگردان شاگردان ایشان نظیر، آخوند ملاحسینقلی همدانی، سید احمد کربلایی، شیخ محمد بهاری، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، سید علی قاضی، و شاگردان پرشمار مرحوم قاضی از جمله علامه طباطبایی و آیت‌الله بهجت است (ن. ک: شیخ، ۱۴۰۰). از دیدگاه عارفان بزرگ نجف، نزدیک‌ترین و بهترین راه برای رسیدن به مقام معرفه الله و خرق حجب نورانیه و ظلمانیه، معرفت نفس می‌باشد. از این‌رو گاه از این مکتب تربیتی به طریقه «معرفت



نفس» تعبیر می‌شود. معرفت نفس کلید معرفه الله است و همه عبادت‌ها و ریاضت‌ها و شور و عشق‌ها مقدمه آن می‌باشد (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸: ۸ و ۱۰۴؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۷: ۳۳). از علامه طباطبایی نقل شده است:

طریق توجه به نفس، طریقه مرحوم آخوند ملا حسینیقلی همدانی بوده است و شاگردان ایشان همه طریق معرفت نفس را می‌پیموده‌اند که ملازم معرفت رب خواهد بود ... باری رویه مرحوم استاد آقای قاضی نیز طبق رویه استاد بزرگ آخوند ملاحسینیقلی همان طریق معرفت نفس بوده است و برای نفی خواطر در وهله اول توجه به نفس را دستور می‌دادند ... و رفته‌رفته معرفت نفس برای او حاصل شده و به وطن مقصود خواهد رسید ان‌شاءالله (حسینی طهرانی، ۱۴۱۶: ۱۴۶ و ۱۵۰).

از مهم‌ترین لوازم حرکت در مدار معرفت و عبودیت، و لازمه جدایی‌ناپذیر سیر و سلوک عبارت است از مراقبه (همو، ۱۴۲۶: ۲۸ و ۳۰). تمام دستورالعمل مراقبه در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن خود را در محضر خداوند دیدن است. البته همین مراقبه درای درجات و مراتبی است که به حسب منزل و مرحله سلوک متفاوت می‌شود و در منازل بالاتر مراقبه دقیق‌تر می‌شود (همو، ۱۴۲۶: ۴۴ - ۴۲ و ۳۶۴). عارفان این مکتب همچون آیت‌الله سید علی قاضی از انتخاب و ضرورت استاد برای پیمودن مراحل بالاتر سلوک سخن گفته ایشان می‌فرمایند:

اهمّ از آنچه در این راه لازم است، استاد خبیر و بصیر و از هوا بیرون آمده و به معرفت الهیه رسیده و انسان کامل است، که علاوه بر سیر الی الله سه سفر دیگر را طی نموده و گردش و تماشای او در عالم خلق بالحق بوده باشد. چنانچه کسی که طالب راه و سلوک طریق خدا باشد برای پیدا کردن استاد این راه اگر نصف عمر خود را در جست‌وجو و تفحص بگذراند تا پیدا نماید ارزش دارد (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۹: ۱ / ۳۰۲).

در حوزه علمیه قم، آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی شاگرد آخوند ملاحسینیقلی همدانی درجذینی و در مرحله بعد علامه طباطبایی و سید حسن الهی طباطبایی نسل اول شاگردان آسید علی قاضی طباطبایی بودند که در کنار آیت‌الله محمدتقی بهجت و آیت‌الله سید عبدالکریم کشمیری و آیت‌الله سید عباس کاشانی، پایه‌گذاران این جریان در قم به شمار می‌روند؛ جریانی که با شاگردان پرتعداد علامه طباطبایی یعنی آیت‌الله پهلوانی تهرانی (شیخ علی سعادت‌پرور)، آیت‌الله محمد شجاعی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله یحیی انصاری، آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی، آیت‌الله حق‌شناس، آیت‌الله مجتبی تهرانی، آیت‌الله مرتضی تهرانی و آیت‌الله سید عبدالله جعفری تهرانی امتداد

یافت. در لایه بعدی آقایان حسن ممدوحی، محمدباقر تحریری، یدالله یزدان‌پناه، جعفر ناصری، مویدی سنقری، مجاهدی، ایوبی، نجفی تهرانی، وزیری و روحی، مکتب نجف را می‌توان بازجست.

آثار برجسته اخلاق معنوی و سلوکی این جریان عبارتند از: رساله **لقاء الله** (رساله لقائیه) از آیت‌الله ملکی تبریزی، رساله **لب اللباب در سیر وسلوک** از علامه طباطبایی به قلم حسینی تهرانی، رساله **الولایه** از علامه طباطبایی، **سر الاسراء** (شرح حدیث معراج) و **جمال آفتاب** در ۱۰ جلد، **راز دل** (شرحی بر منظومه گلشن راز)، **رسائل عرفانی** (مجموعه یازده رساله عرفانی) از آیت‌الله سعادت‌پرور، کتاب **مقالات** در ۳ جلد، **انسان و خلافت الهی و کیمیای وصال** از آیت‌الله محمد شجاعی زنجان، کتاب **نور علی نور** در ذکر و ذاکر و مذکور، **الهی نامه**، رساله **لقاء الله**، رساله **در سیر وسلوک**، در کنار **هزارویک کلمه و هزارویک نکته** از علامه حسن‌زاده آملی، کتاب‌های **حیات عارفانه امام علی علیه السلام**، **ادب فنای مقربان**، **عرفان ولایی** از آیت‌الله جوادی آملی، نیز کتاب‌های **مبانی اخلاق در آیات و روایات**، **شرح حدیث عنوان بصری** و دعای ابوحمزه در کنار تحریر کتاب **لب اللباب** و تصحیح رساله **سیر وسلوک** علامه بحرالعلوم از آیت‌الله محمدحسین حسینی تهرانی، کتاب‌های **تزکیه نفس**، **ولایت الهیه**، **شرح دعای کمیل** از آیت‌الله اسماعیل صائنی زنجان، همچنین کتاب **شهود و شناخت** از آیت‌الله حسن ممدوحی و کتاب‌های **منشور بندگی**؛ شرح رساله الحقوق، **اخلاق اجتماعی**، **عروج عقل**؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، **نجوای عارفانه**؛ شرح مناجات شعبانیه از آیت‌الله محمدباقر تحریری، و نیز **جرعه‌هایی از زلال معرفت**، **آیین بندگی و دلدادگی** و درس‌گفتارهای **شرح منازل السائرین و اخلاق عرفانی** (پیشنهادی در باب رویکرد اخلاقی نوین) از حجت الاسلام و المسلمین سید یداله یزدان‌پناه، و سرانجام محمدتقی فیاض بخش از شاگردان آیت‌الله سعادت‌پرور با آثاری چون **فلسفه اخلاق توحیدی**، **ادب حضور**، **مراقبات اخلاق توحیدی**.

امروزه در حوزه علمیه قم این جریان اخلاقی به شکل رسمی در دو مجموعه دنبال می‌شود: یکم. مؤسسه اخلاقی - تربیتی دار الهدی و بنیاد هاد. این مؤسسه در دهه ۹۰ عهده‌دار مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیه قم شد و در اصفهان نیز شعبه دایر کرد. مرحوم آیت‌الله ناصری دولت آبادی پایه‌گذار این مؤسسه بود و اکنون توسط فرزند ایشان جناب حجت‌الاسلام و المسلمین جعفر ناصری اداره می‌شود. این بنیاد دارای بخش‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی است. حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذربایجانی مدیر بخش آموزش و مرکز تخصصی اخلاق این بنیاد است.

دوم. دهه پایانی و از سال ۱۴۰۰. مجموعه دیگری با عنوان مرکز تخصصی اخلاق و معنویت آیت‌الله سعادت‌پرور با اشراف آیت‌الله محمدباقر تحریری و مدیریت حجت‌الاسلام مظلومی‌زاده اقدام به

اخذ مجوز و برگزاری دوره‌های تخصصی اخلاق نمود. رویکرد غالب در این مجموعه هم توجه به مبانی و آموزه‌های علمای مکتب نجف است.

## ۲. مکتب عرفانی - حکمی تهران

از سویی شاهد یک مسیر دیگر در جریان اخلاق سلوکی و عرفانی هستیم که از سوی مکتب اخلاقی - حکمی تهران سرچشمه می‌گیرد. اگر نخواهیم به پیش از یکصد سال اخیر برگردیم، شخصیت آغازین این سلسله را باید آیت‌الله شاه‌آبادی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۱ ق) برشمرد که خود شاگرد میرزای جلوه و میرزا هاشم اشکوری بود. ایشان استاد عرفان امام خمینی بود که تاثیر ماندگار و عمیقی بر اندیشه و جان امام خمینی بر جای نهاد و شخصیت عرفانی ایشان را پیریزی کرد. امام خمینی بارها با عنوان شیخ مشایخ ما از ایشان یاد کرده‌اند و با تعبیر همچون روحی فداه میزان ارادت خود را به وی ابراز کرده است. البته در کنار نقش محوری ایشان، امام احتمالاً از تعالیم اخلاقی آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی صاحب المراقبات و رساله لقاء الله هم بهره‌مند شده بود.<sup>۱</sup> در منظومه معرفتی و قرائت عرفانی آیت‌الله شاه‌آبادی دو عنصر برجسته بود: یکی تأکید بر فطرت و دیگری محوریت عنصر حب یا همان فطرت عشق (مرتضوی، ۱۳۸۷: ۹۹ - ۶۲). از سوی دیگر القای معارف به عموم و عرضه عرفان در سطح فاهمه عموم مؤمنین نکته برجسته در سیره تربیتی و مشی استادی ایشان به شمار می‌رود (همان: ۲۰۶ - ۲۰۲). چه اینکه توجه به زمینه‌های اجتماعی کمال انسان و اهتمام به امور اجتماعی مسلمین هم در سیره وی کاملاً برجسته بود (همان: ۱۶۰ - ۱۲۸) و در سیره شاگرد برجسته‌اش، امام خمینی به اوج رسید.

امام خمینی (۱۳۲۰ - ۱۴۰۹ ق) معروف‌ترین و بانفوذترین چهره مکتب تهران است. ایشان گذشته از تألیفات عرفانی مانند *مصباح الهدایه* و *شرح دعای سحر* و... با نگارش اثری در عرصه اخلاق سلوکی همچون *شرح چهل حدیث*، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، *اداب الصلاة* و *سر الصلاة* و راه انداختن جلسات اخلاقی و ارائه مباحث اخلاقی با پی‌رنگ سلوکی در پایان درس‌های فقه و اصول خود در مسجد سلماسی و سایر حلقه‌های علمی خود، موجی از طراوت معنوی و فضای ژرف اخلاقی را در حوزه علمیه قم به راه می‌انداخت. شمه‌ای از قدرت شگرف بیان اخلاقی معنوی امام در قلم آیت‌الله عمید زنجانی چنین بازتاب یافته است:

۱. گرچه بنابر مقدمه رساله لقاء الله که سید احمد فهری آن را نگاشته و در زمان حیات امام منتشر شده و حضرت امام و دفتر ایشان موضعی در برابر آن اتخاذ نکرده‌اند، امام خمینی پس از ورود به قم در درس اخلاق مرحوم ملکی تبریزی حاضر می‌شود، اما در سایر مراجعی که درباره زندگی‌نامه آیت‌الله ملکی تبریزی نوشته شده، نامی از امام خمینی در فهرست شاگردان ایشان نیست؛ ضمن آنکه خود امام هرچند از آن رجل الهی، با تجلیل و عظمت یاد می‌کند، اما در هیچ‌یک از تألیفات خود، ایشان را استاد خود معرفی نمی‌کند.



درس امام بی‌روح و علم تجریدی نبود، سرشار از عرفان و زلال مکارم اخلاق بود. دقایق اندکی که امام در لابه‌لای بحث‌های دقیق علمی به شاهد حال می‌رسید و در ناسوت علم به شهود ملکوت دست می‌یافت و از حضيض ملک به عالم قدسیان پرواز می‌کرد، در همان چند لحظه حال، یکباره دست حاضران فرش‌نشین را به عرش می‌رسانید. در این چند لحظه ناگهان درس اصول و فقه به سماعی باشکوه و وصال مخمور مبدل می‌شد و لحظه‌ای بعد همه در سرادق و حجب مستور بودند و دیگر از حال خبری نبود. ترجیع‌بند درس‌های امام ندای آغاز راه بود نه نزدیک شدن به پایان. هرچه درس پیش می‌رفت، آغاز مشکل‌تر می‌نمود؛ تنها در پایان راه صوری درس بود که بارقه امید به آغاز راه در دل‌ها می‌شکفت که تازه سفر نهایی آغاز می‌گردید. عالم شدن در دروس امام به معنی آماده شدن به آغاز آدم شدن بود. چه زیبا و باشکوه و باتکرار می‌فرمود: شیخ ما همی گفت که عالم شدن چه مشکل و آدم شدن محال است. در منظر اول، استاد و مراد، چون سلسله جبالی می‌نمود که قله‌های آن غیر قابل دسترسی است اما هنگامی که دست‌ها از آستین عقل به سوی او دراز می‌شد، یکباره چون چشمه خروشان، اوعیه دل‌ها را سیراب می‌نمود و پیچ‌وخم‌ها و فراز و نشیب‌های این سلسله کوه‌ها چون گستره دشت وسیع و هموار زیر پا سهل می‌نمود، گوئی که در درس امام قله‌ها هدف نبودند، قله‌ها چون علامتی فقط راه اوج به ملکوت را نشان می‌دادند (فراهانی، ۱۳۸۳: ص ط).

یکی از رویدادهای علمی در این زمینه، برگزاری کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی در بهار سال ۱۳۸۲ به مناسبت چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در شهر قم بود و مجموعه مقالات اخلاقی به صورت مستقل در چند جلد و مجموعه مقالات عرفانی در چند مجلد به چاپ رسید.

در میان شاگردان امام خمینی شخصیت‌های برجسته علمی اخلاقی زیادی به چشم می‌خورند که از این تعلیمات اخلاقی امام بهره‌مند و متأثر شده‌اند، مانند استاد مطهری و شهید مفتاح و موسوی اردبیلی و قدیری و طاهری خرم‌آبادی و... اما کسانی که به صورت خاص بر مباحث اخلاقی با پی‌رنگ سلوکی بیشتر تکیه و تمرکز داشته‌اند عبارتند از: آیت‌الله مجتبی تهرانی، آیت‌الله روح‌الله شاه‌آبادی.

## (ب) جریان اخلاق اجتهادی

اخلاق در حوزه‌های علمیه علی‌رغم اهمیت و رفعت عملی و تربیتی، کمتر در جایگاه یک علم روشمند و دارای قواعد دانشی دقیق و مستقل دیده شده و کمتر نیازمند تدریس و تدریس منظم، و مباحثه و مذاکره فنی و جدی تلقی شده است.

در ریشه‌یابی<sup>۱</sup> این انگاره، باید جاری دانستن قاعده «تسامح در ادله سنن» در اخلاق را یکی از علل آن دانست. فارغ از چرایی دامنه‌دار شدن این تلقی، خوشبختانه حوزه‌های علمیه و به‌ویژه حوزه علمیه قم طی پنجاه سال اخیر به سمت فاصله گرفتن از این تلقی ناصواب و پی‌ریزی رویکر علمی و روشمند به علم اخلاق رفته است. در طی نیم سده اخیر توجه به لزوم برخورد اجتهادی با معارف اخلاقی قرآن و سنت برای استنباط احکام اخلاقی و تبیین آموزه‌های اخلاقی دین، جا افتاده است.

در طی این پنجاه سال تطور و پیشرفت گفتمان اخلاق اجتهادی و استنباطی دو مرحله را از سرگذرانده است:

در مرحله نخست دو تن از فقها و اصولیون برجسته دانش‌آموخته حوزه علمیه قم تقریباً به صورت همزمان در حوزه علمیه تهران و قم به ارائه مباحث اخلاق قرآنی و روایی به صورت استدلالی و به شیوه استنباطی پرداختند؛<sup>۲</sup> آیت‌الله مجتبی‌تهرانی در تابستان سال ۱۳۵۹ دروس اخلاق خود را در حوزه علمیه تهران آغاز کرد و آیت‌الله حسین مظاهری در پاییز ۱۳۶۱ سلسله درس‌های اخلاق خود را در حوزه علمیه قم شروع کرد.

مرحله دوم امروزه قریب به دو دهه است که فضایی حوزه برای نخستین بار در تاریخ مطالعات اخلاق اسلامی در جهان اسلام،<sup>۳</sup> پا به عرصه کاملاً جدید تدوین قواعد روش‌شناختی استنباط اخلاقی نهاده‌اند که در واقع مرحله تدوین اصول فقه اخلاق است.

اکنون همراه با سیر طبیعی رشد فقه اخلاق، ابتدا به علمایی که به متن فقه اخلاق پرداخته‌اند، می‌پردازیم و سپس تلاش‌های اخلاق‌پژوهان را در تعریف و بسط و تنقیح اصول فقه اخلاق پی‌می‌گیریم.

نمایندگان و چهره‌های شاخص این جریان با نگاهی مجتهدانه به متون اسلامی، مباحث اخلاقی را مطرح کرده‌اند. از این جریان تحت عنوان «جریان فقه اخلاق» نیز یاد شده است و سه تلقی از آن وجود دارد. تلقی اول آن است که فقیه در چهارچوب تفکر و روش فقهی همان‌طوری که به موضوعات عبادات و معاملات پرداخته، در ادامه به موضوعات اخلاقی هم پرداخته است؛ یعنی در چهارچوب علم فقه

۱. برای اطلاع بیشتر ن. ک: نوشته‌ها و مصاحبه‌های صاحب این قلم در: مقدمه کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی و مقدمه مناسبات اخلاق و فقه، نیز مصاحبه سرویس اندیشه خبرگزاری رسا با نگارنده تحت عنوان: گفت‌وگوی سرویس اندیشه خبرگزاری رسا با حجت‌الاسلام دکتر مهدی علیزاده، درباره چیستی و چرایی فقه اخلاق در سایت خانه اخلاق‌پژوهان جوان.

۲. البته آیت‌الله شهید سید محمد صدر در سال ۱۴۱۳ قمری مطابق ۱۳۷۱ شمسی کتاب **فقه اخلاق** را به نگارش درآورد.

۳. در میان اهل سنت ممکن است برای مرحله اول اخلاق اجتهادی موارد کمابیش مشابهی بیابیم، مانند کتاب **مبسوط** شیخ عبدالرحمن حسن حنکله‌المیدانی، فقیه و مفسر دمشق با عنوان **الاخلاق الاسلامیه و أسسها** در ۱۵۰۰ صفحه. منظور از کمابیش مشابه این است که به لحاظ درجه عملیات استنباط حدوداً در یک سطح باشند، نه سبک و منبع استنباط.

به فقه الاحکام موضوعات اخلاقی را بررسی می‌کند. آیت‌الله سید محمد صدر در چهار دهه قبل در حوزه علمیه نجف و دیگر پیروان شیخ اعظم در مبحث غیبت مکاسب، نمایندگان این تلقی به شمار می‌روند. (ن. ک: صدر، ۱۴۳۳). شایان ذکر است در حوزه علمیه معاصر قم درس‌هایی با عنوان فقه الاخلاق ارائه می‌شود که دقیقاً از همین رویکرد پیروی می‌کنند (ن. ک: شمس، ۱۴۰۲). روشن است که این تلقی از فقه الاخلاق ارتباطی به اخلاق اجتهادی و فرآیند استنباط حکم اخلاقی از منابع دینی ندارد و در واقع صرفاً با دو تلقی دیگر اشتراک لفظی دارد.

تلقی دوم، فهم عمیق اخلاق در کلان منظومه آموزه‌های دینی است. حجت الاسلام غنوی بر این باور است همه مسائل اخلاقی حتی مباحث تجربی یا فلسفه اخلاق را هم با علمی به نام فقه الاخلاق باید پاسخ گفت (ن. ک: غنوی، ۱۳۹۳). در تلقی سوم، که تلقی صحیح است، فقه الاخلاق مرادف با اخلاق استنباطی و اجتهادی است؛ یعنی مجتهد با روش استنباطی در پارادایم اخلاقی در چهارچوب علم الاخلاق تلاش می‌کند معارف اخلاقی را از دل منابع دینی استخراج کند؛ البته آن دسته از معارف اخلاقی که در قرآن و سنت بازتاب یافته و با روش تفسیر متن باید فهم و استنباط شود و نه مسئله‌های تجربی یا عقلی که روش پاسخگویی متناسب تجربی یا عقلی - فلسفی دارند. افرادی چون عالم‌زاده نوری و علیزاده براین باورند<sup>۱</sup> (ن. ک: عالم‌زاده نوری، ۱۴۰۰).

اکنون ابتدا به علم فقه الاخلاق و سپس به دانش اصول فقه الاخلاق می‌پردازیم

## ۱. علم فقه الاخلاق

علم فقه الاخلاق به استنباط احکام اخلاقی از منابع اصلی دین (قرآن و سنت) با روش اجتهادی می‌پردازد.

در یکصد ساله اخیر، حوزه علمیه قم شاهد ظهور دو چهره مهم و محوری در این عرصه بوده است: آیت‌الله حسین مظاهری و آیت‌الله مجتبی تهرانی

### یک. آیت‌الله حسین مظاهری (۱۳۱۲ - زنده)

آیت‌الله حسین مظاهری در فقه شاگرد امام خمینی و حضرات آیات بروجردی و محقق داماد است. همچنین حکمت و تفسیر را نزد علامه طباطبایی فراگرفت. ایشان طولانی‌ترین سلسله جلسات و دروس علم اخلاق را طی بیش از ۴ دهه گذشته در حوزه‌های علمیه قم و اصفهان تشکیل داده است.

---

۱. نگارنده درس‌گفتارهایی در بنیان‌ها و رویکردهای **فقه الاخلاق** نگاشته که حاصل تدریس‌های او در دوره‌های سطح چهار و دکتری رشته اخلاق بوده و هنوز به چاپ نرسیده است.

## آثار اخلاقی و عرفانی

از ایشان در عرصه اخلاق و معنویت اسلامی آثار متعددی به چاپ رسیده است که در مورد آن باید به ویژگی‌های ذیل توجه کرد:

(الف) آثار ایشان طیفی از شاخه‌های اخلاق پژوهی را پوشش می‌دهد: اکثراً به اخلاق هنجاری اسلامی می‌پردازد، اما حدود شش اثر شاخه‌هایی از اخلاق کاربردی مانند اخلاق خانواده، اخلاق سازمانی و اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌های نظامی را نیز دربرمی‌گیرد. حدود نه اثر در حوزه مباحث معنوی از اسرار عبادات تا مباحث سلوکی عرفانی را شامل می‌شود.

(ب) اکثر آثار تنظیم و نگارش دروس یا سخنرانی‌های ایشان است.

(ج) مهم‌ترین اثر آیت‌الله مظاهری عبارت است از کتاب سه جلدی *دراسات فی الاخلاق* که جلد اول آن در قم و دو جلد بعدی پس از مهاجرت به اصفهان منتشر شد و بعدها در قالب چهار مجلد به فارسی ترجمه (تحریر) و با عنوان *دانش اخلاق اسلامی* منتشر گردید.

(د) آثار اخلاقی ایشان را بین ۴۵ تا ۵۰ اثر برشمرده‌اند که با حذف موارد تکراری یا مواردی که بعد تربیتی یا بعد معارفی در آنها مشهودتر از بعد اخلاقی است، می‌توان به فهرست سی‌گانه‌ای دست یافت که برخی از آنها عبارتند از:

۱. *دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العلمية* (سه جلد) و ترجمه آن با عنوان: *دانش اخلاق*

*اسلامی* (چهار جلد)؛

۲. *جهاد با نفس* (چهار جلد)؛

۳. *اخلاق و خودسازی*؛

۴. *اخلاق فرماندهی*؛

۵. *اخلاق در اداره*؛

۶. *اخلاقیات العلاقة الزوجية*.

ویژگی‌های اخلاق اجتهادی در کتاب *دراسات فی الاخلاق*

(الف) شاخص روش اجتهادی صاحب *دراسات*

بهره‌گیری توأمان از روش تفسیر موضوعی و قواعد اصول فقه در فهم روشمند معارف اخلاقی قرآن و سنت، برجسته‌ترین ویژگی روش‌شناختی این اثر فاخر است.

آیت‌الله مظاهری برای عقل در اخلاق جایگاه والایی قائل است، از این‌روی هرچند به عنوان یک الهی‌دان در سنت کلاسیک اسلامی، منبع انحصاری خود را آموزه‌های اخلاقی، قرآن و سنت می‌داند و بر

استفاده خالص و بهره‌گیری حداکثری از قرآن و روایات اهل بیت در هدف خود از تألیف کتابی جامع و پیراسته در اخلاق سخن می‌راند (مظاهری، ۱۴۳۲: ۱ / ۶۶)، اما تأکید فراوان و پافشاری بر بهره‌گیری انحصاری از قرآن و سنت، هیچ‌گاه از مواجهه اخباری مشربانه با نصوص قرآن و حدیث سر در نمی‌آورد. اولاً. روش تفسیر موضوعی قرآن در تحلیل آیات هم‌خانواده ذیل یک موضوع در روش اجتهادی ایشان در موارد پرشمار خودنمایی می‌کند (همان: ۴۴۱ و مظاهری، ۱۳۹۲: ۱ / ۶۶). تا جایی که در کل متن *دراسات*، به دوهزار آیه قرآن استناد شده است (هادی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۰).

ثانیاً. شیوه ایشان در استفاده از آیات و روایات بر حسب منهج رایج در مدرسه اجتهاد علمای امامیه چنین است که ابتدا با تتبع در قرآن و جوامع روایی، مجموعه آیات و روایات مرتبط به موضوع را گردآوری کرده و سپس دسته‌بندی می‌کند. در گام بعد براساس منطق اصول الفاظ به استظهار از آنها پرداخته و نهایتاً نصوص وارده را نسبت‌سنجی و جمع دلالی می‌کند. در واپسین قدم با توجه به جایگاه عقل عملی و با در نظر گرفتن قرائن لیبیه، به جمع‌بندی نهایی و عرضه درک استنباطی خود از مجموع نصوص تحلیل‌شده، دست می‌زند. از ویژگی‌های تفقه اخلاقی ایشان توجه به اقوال فقهای متقدم و نزدیک به عصر صدور مانند سید مرتضی در فهم روایات معصومین علیهم‌السلام و نیز عرف مردم عصر صدور یا نزدیک به عصر صدور است (توکل، ۱۳۹۱: ۴۴ - ۴۵). نکته جالب توجه در تفقه اخلاقی آیت‌الله مظاهری این است که در یک نگاه منظومه‌ای و شبکه‌ای به آموزه‌های اسلامی، هرچا قرائتی از مباحث اعتقادی یا تفسیری از معارف کتاب و سنت با محکمت نظام اخلاق اسلامی ناسازگار بوده، به نقد و رد آن همت گمارده است (مظاهری، ۱۴۳۲: ۳ / ۴۶۳ و همو، ۱۳۹۲: ۱ / ۶۳).

## ب) سبک اخلاق‌نگاری

محوریت داشتن منابع اصیل اسلامی در رهیافت آیت‌الله مظاهری به دانش اخلاق، سبب شده تا اثر وی فاقد هرگونه ردپایی از آرای اندیشمندان غیرمسلمان اعم از فلاسفه یونان و پارس باشد.

دغدغه تألیف یک کتاب علمی و فاخر در اخلاق اسلامی با یک آسیب‌شناسی از مصنفات اخلاقی پیشین همراه بوده است. برخی مانند ابوحامد غزالی برای بالا بردن قدرت اقناع کتاب، گاهی روش خطابی در پیش گرفته‌اند و متوسل به نقل حکایات بی‌پایه، غیرمستند و خردناپذیر و بی‌فایده از صوفیه یا ادبیات عامه شده‌اند، آیت‌الله مظاهری هدف کتاب خود را اقناع عقلی مخاطب و نه برانگیختن خیال یا احساس وی قرار داده است و بدین جهت از نقل قصه‌ها و حکایات احتراز نموده است.

همچنین لحن قلم علمی و مدلل است و از سنت اندرزنامه‌نگاری در آن اثری دیده نمی‌شود (ن. ک:

متن کامل *دراسات*).



دو. آیت‌الله مجتبی‌تهرانی (شهیدی کلهری مشهور به حاج آقا مجتبی‌تهرانی) (۱۳۱۶ - ۱۳۹۱ ش)

ایشان در قم و نجف از علامه طباطبایی، حضرات آیات بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد، خویی، حکیم و به‌ویژه امام خمینی استفاده کرد. بعد از دوره سه ساله حضور در نجف اشرف، به امر امام خمینی در سال ۱۳۴۹ شمسی به تهران مراجعت کرد. وی در تهران افزون بر اقامه نماز جماعت و تبلیغ دین، به تدریس فقه و اصول و تفسیر و به ویژه اخلاق همت گماشت.

پس از ارتحال، دفتر تنظیم و نشر آثار ایشان و انتشارات مصابیح الهدی با تمرکز و همت بلند ده‌ها جلد از تقریرات جلسات منظم اخلاقی معنوی ایشان را منتشر کرده است.

تعداد ۲۸۰۰ نوار کاست از جلسات درس اخلاق ایشان در طول ۳۲ سال بر جای مانده است.

اخلاق ربانی در ۳۸ جلد؛ سلوک عاشورایی در ۱۰ جلد؛ ادب الهی در ۵ جلد.

آیت‌الله جوادی آملی در پیامی به مناسبت ارتحال ایشان نوشت:

فقیه بزرگوارمان آیت‌الله تهرانی رحمته‌الله به جایی رسیده بود به لطف الهی که بعد از تفقه در دین ضمن تعریف و تصنیف و تربیت شاگردان «لیندرو قومهم اذا رجعوا الیهم» رسیده است. مستحضرید که حرف هر گوینده‌ای در شنونده انداز ایجاد نمی‌کند، با حرف هر سخنران و سخنگوی شنونده و مخاطب از جهنم نمی‌هراسد. به هر ترتیب ما چه طبق تعریف اول علم را به آلی و اصالی تقسیم کنیم و چه به تعریف دوم که عمیق‌تر است علم را تقسیم کنیم، فقیه بزرگوار آیت‌الله حاج آقا مجتبی‌تهرانی رحمته‌الله سعی بلیغ او این بود که علوم ایزاری را به خوبی فراگیرد و به شاگردانش یاد بدهد و هم به علوم اصالی برسد، مخصوصاً در اصلی‌ترین آنها که هم خود را واصل و نائل به آن مقام ببیند و هم دوستان و شاگردانش را به آن مقام دعوت کند که: «ادعو الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی» (جمعی از مولفان، ۱۳۹۶: ۳۱۱ - ۳۱۳).

**ویژگی‌ها و امتیازات اخلاق اجتهادی در آثار آیت‌الله مجتبی‌تهرانی**

آیت‌الله تهرانی به عنوان یک فقیه مدقق و مجتهد اصولی با سابقه که ده‌ها سال تلمذ و تدریس فقهی و اصولی در سه حوزه قم، نجف و تهران را در کارنامه خود دارد، با اهتمام ویژه به کاربرت روش اجتهادی و قواعد اصولی، تطبیق رویکرد فقهی در بررسی معارف اخلاقی قرآن و سنت را در دستور کار خود قرار داد. ویژگی‌های اجتهاد اخلاقی ایشان بدین قرار است:

۱. تحلیل لغوی و اصطلاحی مفاهیم و توجه به موضوع له و مستعمل فیه قرآنی و روایی واژگان اخلاقی در طلیعه مباحث؛

۲. تمرکز بر آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به مثابه تنها منابع معتبر علم اخلاق اسلامی با هدف حفظ اصالت دانش اخلاق اسلامی و تأمین حجیت مباحث؛

۳. اهتمام به ثقل اکبر و نقطه عزیمت قرار دادن آیات قرآن کریم در بررسی هر یک از موضوعات اخلاقی؛
۴. احصاء کامل آیات قرآن و ایجاد شبکه آیات پیرامون هر موضوع؛
۵. توجه تفصیلی به روایات اهل بیت و تشکیل خانواده حدیث ذیل هر موضوع اخلاقی؛
۶. اهتمام به سبک زندگی ائمه و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و مواجهه معصومان با شیعیان در موقعیت‌های اخلاقی؛
۷. توجه به قرائن لبی و ادله عقلی قطعی در بررسی نهایی موضوع اخلاقی به عنوان احکام عقل عملی؛
۸. توجه به ریشه‌های کلامی و پیامدها و ملازمات فقهی هر مبحث اخلاقی؛
۹. اهتمام به نگاه جامع و بررسی و پوشش کامل همه ابعاد موضوع و ارائه دسته‌بندی‌شده و منظم آنها؛
۱۰. توجه به نمونه‌های واقعی و ملموس از زیست اخلاقی صلحا و مؤمنین و کج‌روی اخلاقی فاسقان و اهل دنیا و تحلیل آنها در پرتو معارف اخلاقی قرآن و سنت.

#### تتمه

۱. نگارنده بر این باور است که راهی که بزرگانی چون آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله تهرانی آغاز کرده‌اند، یک آغاز پر قدرت و نویدبخش برای دستیابی به اخلاق اجتهادی مطلوب است. لازم است کار این بزرگان در کنار برخی کارهای الهام‌بخش مانند کتاب **فقه الاخلاق** آیت‌الله سید محمد صدر و با به‌کارگیری نتایج تحقیقات اخلاق‌پژوهان در عرصه اصول فقه الاخلاق و عطف توجه به مطالعات تخصصی قرآنی و روایی در اخلاق و پژوهش‌های تخصصی موضوع‌شناسی در اخلاق کاربردی، به صورت عمیق‌تر دنبال شود و تکمیل گردد.
۲. در ادامه پیگیری تلاش‌ها و آثار تدوین‌شده در عرصه اخلاق اسلامی، افزون بر آثار آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله تهرانی، به تحقیقات اخلاقی ارزشمند دیگری با کاربرست روش اجتهادی برمی‌خوریم؛ این کتاب‌ها همگی در سلک معرفت اخلاقی معطوف به نص و در خدمت فهم عمیق متون مقدس قرار دارند. این آثار در سه دسته جای می‌گیرند: الف) تک‌نگاری‌ها؛ ب) کتب تفسیر آیات اخلاقی قرآن؛ ج) کتب شرح احادیث اخلاقی.

#### الف) تک‌نگاری‌ها

حجت‌الاسلام کاظم دلیری با اعمال روش اصولی - فقهی در دو حوزه اخلاق بندگی و اخلاق اجتماعی به تألیف دو کتاب ذیل پرداخته است: **درآمدی بر سبک بندگی و درآمدی بر سبک بخشندگی**.

#### ب) کتب شرح و تفسیر آیات اخلاق

بهترین این کتاب‌ها عبارتند از: **اخلاق در قرآن** آیت‌الله مصباح یزدی، **مبانی اخلاق در قرآن** و **مراحل اخلاق در قرآن** از آیت‌الله جوادی آملی، **اخلاق در قرآن** از آیت‌الله مکارم شیرازی.

## ج) کتب شرح احادیث اخلاقی

کتاب **شرح حدیث جنود عقل و جهل** از امام خمینی، **سر الاسراء** (شرح حدیث معراج) از آیت‌الله سعادت‌پرور، **حدیث عنوان بصری** (دستورالعمل امام صادق علیه السلام به رهروان صادق) از آیت‌الله سید محمدحسین حسینی تهرانی، کتاب **شرح حدیث ابذر و راهیان کوی دوست** (شرح حدیث معراج) از آیت‌الله مصباح یزدی، **عروج عقل** (شرح حدیث جنود عقل و جهل) از آیت‌الله محمدباقر تحریری، **شرح حدیث عنوان بصری** از آیت‌الله صائنی زنجانی، **شرح مناجات خمس عشر و سلوک اخلاقی** (طرح‌های برگرفته از کتاب و سنت) و نیز **سلوک اخلاقی** (طرح‌های روایی) از حجت‌الاسلام امیر غنوی.

## ۲. دانش اصول فقه الاخلاق

همچنان‌که در تاریخ تطور دانش فقه ابتدائاً مطالعات و آثار فقهی تدوین شد و در مرحله بعد فقها به فکر استخراج و صورت‌بندی و تدوین منطق اجتهاد و روش استنباط افتادند و علم اصول فقه از این رهگذر شکل گرفت، در عرصه اخلاق پژوهی نص‌محور نیز ابتدا شاهد جستارهای فقه اخلاقی بوده‌ایم و سپس کاوش‌هایی از جنس اصول فقه اخلاق رخ نموده است.

برای دستیابی به دانش اصول فقه حرکت‌های علمی متعدد و گوناگونی صورت گرفته است. اولین گام‌ها در حوزه علمیه قم به عنوان جستارگشایی در سال ۱۳۸۶ با نوشته شدن سند توسعه علم اخلاق<sup>۱</sup> در گروه اخلاق وقت پژوهشکده اخلاق و معنویت و نگارش مقاله «جای خالی فقه اخلاق»<sup>۲</sup> توسط حمیدرضا مظاهری سیف برداشته شد. در تعریف و تنقیح کشف و تنظیم قواعد اصول فقه اخلاق این افراد فعالیت کرده‌اند: در رتبه اول حجج اسلام محمد عالمزاده نوری، امیر غنوی، و در رتبه دوم حجج اسلام کاظم دلیری، رضا حبیبی، محمد عمومی، مصطفی همدانی و صاحب این قلم.<sup>۳</sup>

آثار حجت‌الاسلام محمد عالمزاده نوری و حجت‌الاسلام امیر غنوی بدین قرارند:

۱. این اثر در کارگروهی متشکل از اخلاق‌پژوهان حوزه برای بررسی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب علم اخلاق اسلامی و با قلم مهدی علیزاده و محمد عالمزاده نوری به نگارش درآمد. افزون بر این دو تن، حجج اسلام آذربایجانی، شیروانی، حسن اسلامی، دیلمی عضو کارگروه تدوین سند توسعه علم اخلاق اسلامی بوده و در هم‌اندیشی‌های کارگروه مشارکت داشتند.
۲. در واقع مظاهری سیف با الهام از کتاب **فقه اخلاق** آیت‌الله شهید محمد صدر که در سال ۱۴۱۳ تألیف شده بود و بعدها به چاپ رسید و به محافل علمی ایران هم راه یافت، متوجه این خلأ مهم علمی شد و مقاله مؤثری برای توجه دادن به این عرصه دانشی کمابیش مغفول مانده به رشته تحریر درآورد. شایان ذکر است که کتاب ارزشمند **فقه اخلاق** صدر، در واقع پژوهشی فقهی در باب مستحبات عمدتاً و مواردی معدودی از احکام اخلاقی است و در واقع از مقوله اخلاق اجتهادی به شمار نمی‌رود، بلکه توسعه و امتداد فقه امامیه در موضوعات کمابیش مغفول مانده است.
۳. از حاصل تدریس‌های حجج اسلام دلیری، عمومی، حبیبی و علیزاده، جزوهای انتشار نیافته، درسی در **فقه اخلاق** در دست است. از حجت‌الاسلام مصطفی همدانی مقاله و کتابی در معرفی روش آیت‌الله سعادت‌پرور در استنباط معارف اخلاقی - عرفانی از قرآن و حدیث براساس کتاب **سر الاسراء** انتشار یافته است.

### یک. محمد عالم‌زاده نوری

۱. استنباط حکم اخلاقی از سیره معصومان؛

۲. استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی در دو جلد؛

۳. آشنایی با فقه الاخلاق؛

### دو. امیر غنوی

وی کتابی در قواعد استنباط اخلاقی با عنوان درآمدی بر فقه اخلاق به نگارش درآورده است (چنان‌که اندکی قبل گفته شد، دو اثر هم در شرح احادیث اخلاقی نگاشته است).

### سه. جریان سنتی ترویج نظری و عملی معارف اخلاقی اسلام

این جریان، نشر آموزه‌های اخلاقی را از رهگذر توجه به معارف اسلامی دنبال می‌کند و بیشتر بر خطابه اخلاقی و منبر در قالب درس اخلاق‌های هفتگی و جلسات موعظه و اندرز تأکید دارد. سهم این جریان در شکل‌دهی اخلاقی به فضای عمومی حوزه علمیه در نیم قرن اخیر کاملاً درخور توجه بوده است و بیشترین وزن را در گفتمان عمومی لزوم خودسازی و تهذیب نفس برای طلاب و فضلا و عموم مؤمنین برعهده داشته است. این جریان چهره‌های مذهب فرهیخته متعددی را در خود جای داده است که با دم مسیحایی و نفس گرم خویش، از مأذنه منبر، صلاهی وارستگی از دنیا و پیوستگی به خدای متعال سر داده‌اند. اینان عموماً با عمل و منش و مشی خود، الگوی عملی خودساختگی اخلاقی و معنوی برای طلاب و مؤمنین بوده‌اند.<sup>۱</sup> افزون بر این کارویژه اصلی، برخی از این چهره‌ها گاهی دست به قلم برده‌اند و تألیفاتی هم به یادگار گذاشته‌اند. اکنون ابتدا نگاهی گذرا و تیتروار به سوگیری محتوایی و دورن‌مایه غالب و رایج این گفتمان می‌اندازیم و سپس به معرفی فشرده چهره‌های اصلی و تأثیرگذار این جریان می‌پردازیم:

**الف) خطوط اصلی درون‌مایه و محتوای جریان ترویج نظری و عملی معارف اخلاقی اسلام با محوریت روایات هواپرستی و جهاد با نفس:** در آموزه‌های اخلاقی - معنوی قرآن و روایات، حرکت در مسیر حق و بندگی نیازمند سعی و تلاش و مجاهده با نفس و مبارزه با شیطان و مقابله با طواغیت است. انسان مؤمن، انسان مجاهد است و مهم‌ترین میدان جهاد که جهاد اکبر شمرده می‌شود، مجاهده با نفس است. در واقع مجاهده با نفس همان مخالفت با هوای نفس است. هواپرستی دقیقاً نقطه مقابل خداپرستی و عامل مهم

---

۱. ضرورت این عامل و الگو بودن در بیان امام علی (ع) چنین بازتاب یافته است: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ». هم از این‌روی منش اخلاقی و آراسته شدن به فضایل برای طلبه علوم دینی، بخشی از هویت او به شمار می‌آید.

خروج از مدار توحید است و از این‌رو مخالفت با هوای نفس در معارف ما رشته تسبیح در دینداری و رأس دین‌داری برشمرده شده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ح ۴۸۷۵ و ۴۸۹۵).

**اجتناب از دنیادوستی:** آموزه بعدی نگاه به دنیا و جایگاه دنیا در تهذیب نفس و رشد اخلاقی - معنوی است. دنیادوستی بالاترین و بزرگ‌ترین خطاست (کلینی، ۱۳۹۳: ۲ / ۱۳۰) و دنیادوستی و دنیاطلبی مهم‌ترین آفت خودسازی و مسیر عبودیت است. مهم‌ترین کارکرد بازدارنده دنیا از مسیر تعالی، فریبندگی است. امیر مؤمنان فرمود: دنیا می‌فریبد و زیان می‌رساند و می‌گذرد (نهج البلاغه / الحکمه ۴۱۵)، دنیا با تزئین‌های ابلیس، در چشم مؤمن خداجو جلوه می‌کند و او را به خود مشغول می‌سازد و وقتی در دل او نفوذ کرد، اراده او سست می‌شود و برای رسیدن به حطام دنیا بر حلال و حرام الهی چشم می‌پوشد. بدین ترتیب یکی از وظایف مؤمن مقابله با وسوسه‌های شیطان برای فریفتگی به دنیاست.

**معادباوری:** یکی از مهم‌ترین باورهای دینی که آثار تربیتی قابل توجهی دارد، باور به معاد و یاد مرگ است. عالمان اخلاق و مربیان نفوس برای ریشه‌کنی شهوات به رهنمود امام علی علیه السلام، توجه مردم را به یاد مرگ و قبر قیامت، و نتایج رفتارها و تصمیماتشان جلب کنند.

**ایمان:** یکی از محورهای مهم اعتقادی - تربیتی در منظومه اندیشه اسلامی توجه به ایمان و ماهیت آن است. علمای اخلاق بخشی از بیانات خود را به بیان زمینه‌ها و مقدمات و راه‌های کسب ایمان، رشد و تقویت ایمان، تأثیرات متقابل تزکیه و ایمان، لوازم ایمان در کنار موانع و آفات ایمان و نیز مراتب و درجات ایمان و اصناف مؤمنین می‌پرداخته‌اند.

**تقوا:** در میان آموزه‌های قرآنی، عنصر تقوا از جایگاه ممتازی برخوردار است. در آیات قرآن کریم ۲۳۷ بار واژه تقوی و مشتقات آن وارد شده، درحالی‌که فضیلت‌های کلیدی و مهمی مانند صبر، صدق یا شکر به ترتیب ۱۰۲، ۹۰ و ۷۵ بار در قرآن راه یافته‌اند. وحی الهی بهترین توشه راه خدا را تقوا می‌داند (بقره / ۱۹۷). قرآن‌پژوه و اخلاق‌دان برجسته، محمدعبدالله دراز بر این باور است که از منظر قرآن تقوا ویژگی اخلاقی کانونی و ام‌الفضایل است. هم از این‌رو، امام علی علیه السلام در آخرین وصیت خود، سفارش به تقوا نمود (نهج البلاغه / نامه ۴۷).

**ولایت اهل بیت:** در اندیشه شیعی، امامت از اصول دین تلقی شده، و ولایت ائمه هدی علیهم السلام شرط قبولی اعمال و عبادات معرفی شده است و در بین ارکان خمسه اسلام، مؤمنان را به امری در درجه اهمیت ولایت فرانخوانده‌اند (کلینی، ۱۳۹۳: ۲ / ۱۸). توسل و شفاعت دارای مستند خدشه‌ناپذیر قرآنی است (نساء / ۶۴؛ منافقون / ۵) و علمای اخلاق و مربیان نفوس توسل به ائمه و به‌ویژه توسل به حجت حی علیه السلام و پناه بردن به کشتی نجات اباعبدالله علیه السلام را یکی از محورهای اصلی وعظ و ارشاد خود قرار داده‌اند.



**توصیه به مواظبت بر ادای واجبات:** تأکید بر واجبات عبادی و نقش آن در تهذیب نفس و تعالی روح مانند نماز و شرایط صحت و کمال، و آداب قالیه و قلبیه آن و نیز واجبات مالیه مانند خمس و زکات در کنار توجه دادن به رعایت حق الناس و حساسیت آن، از دیگر مضامین مشترک این گفتمان است.

**داستان‌های عبرت‌آموز و اشعار حکمت‌آمیز:** یکی از مضمون‌های مشترک و مورد اهتمام علمای ربانی و خطبای روحانی در مقام هدایت معنوی و تزکیه اخلاقی بهره گرفتن از جذابیت و قدرت اقناع داستان‌هایی از حیات انبیاء و اولیا و صلحا برای الگوسازی یا قصه‌هایی از زندگی تبه‌کاران و اشقیاء برای انداز و عبرت گرفتن بوده است. همچنین معمولاً از ظرفیت برانگیزندگی اشعار حکمی با هدف ایجاد تنبه و تذکر غافل نبوده‌اند که این مهم از رهگذر همراه کردن قوه خیال و یا تحریک و جهت‌دهی به عواطف و احساسات پاک صورت می‌گیرد.

**ب) معرفی اجمالی چهره‌های برجسته جریان ترویج نظری و عملی معارف اخلاقی اسلام با محوریت روایات**

#### علمای حوزه علمیه

پس از پایه‌گذاری حوزه علمیه توسط آیت‌الله موسس حاج شیخ عبدالکریم حائری، نخستین درس اخلاق پررونق و عمیق توسط آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی<sup>۱</sup> و سپس حاج آقا حسین فاطمی قمی برپا شد. از آیت‌الله ملکی تبریزی پیش از این در بخش جریان اخلاق سلوکی یاد کردیم. اکنون به سایر چهره‌های شاخص و تاثیرگذار اخلاقی حوزه علمیه قم می‌پردازیم.

۱. حاج آقا حسین فاطمی قمی (۱۲۹۷ - ۱۳۸۹ ق.) ایشان از سادات رضوی قم و نوادگان جناب موسی مبرقع بود. وی در فقه و اصول شاگرد آیت‌الله موسس و در اخلاق از شاگردان حلقه آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود. ملازمت با آن نفس مهذب و رجل الهی تاثیر عمیقی بر وی نهاد. فاطمی بنا به امر آیت‌الله حجت کوه‌کمری طی چند سال در مدرسه حجتیه در روزهای تعطیل به تدریس اخلاق پرداخت (رازی، ۱۳۷۰: ۲ / ۲۹۳ و باقری بیدهندی، بی‌تا: ۱۳۹). ایشان به درخواست شاگردان و مؤمنین کتابی به نام **جامع الدرر فی بعض آثار الائمة الاثنی عشر**<sup>۲</sup> در دو جلد تألیف کرد که در واقع جُنگی اخلاقی - معنوی و مشتمل بر برخی مواظبات ایشان است.<sup>۳</sup> ایشان مقدمه‌ای نیز بر کتاب **المراقبات** استاد خود نگاشته است.

۲. آیت‌الله سیدرضا بهاء الدینی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۶) از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم حائری است که در

۱. ارتحال این عالم ربانی، سه سال بعد از تأسیس حوزه علمیه قم توسط حاج شیخ عبدالکریم حائری رخ داد.

۲. این اثر به همت صادق حسن‌زاده و انتشارات بین‌الملل سال ۱۳۸۴ در دو جلد با عنوان **گنجینه اخلاق جامع الدرر فاطمی** به چاپ رسیده است.

۳. آیت‌الله رضا استادی این کتاب را تلخیص و به نام گزیده‌ای از کتاب **جامع الدرر** منتشر ساخته است.

۲۵ سالگی از آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری اجازه اجتهاد دریافت کرد. ایشان از شخصیت‌های اخلاقی - معنوی مطرح حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت که درس اخلاق و محفل معنوی ایشان برای چند دهه رونق‌بخش حوزه علمیه قم بود. از ویژگی‌های برجسته ایشان شهرت‌گزیزی و اخلاص بود. اکثر اوقات شب و روز ایشان به تفکر می‌گذشت. می‌فرمود: «من روی یک جمله **صحیفه سجاده** چندین سال فکر کردم» و کراراً می‌فرمود: «همین فکر کردن، دریچه‌هایی را روی انسان باز می‌کند. تعبدیات زیاد کارساز نیست و دوامی ندارد. تفکر، منشأ اثر است» (ن. ک: لقمانی، ۱۳۸۵ و بهاء‌الدینی، ۱۳۶۲ و اسدی، ۱۴۰۲).

۳. آیت‌الله میرزا علی آلنی فیض معروف به مشکینی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۶ ش). وی از شاگردان آیات سید محمد حجت کوه کمره‌ای، بروجرودی، سید محمد محقق داماد و سید محمدصادق روحانی بود.

دهه شصت و هفتاد دروس اخلاق ایشان مورد استقبال گسترده طلاب بود. وی کتابی با عنوان **المواعظ العددیه** در احادیث اخلاقی به رشته تحریر درآورد. **دروس فی الاخلاق** اثر دیگری از ایشان در موضوع خودسازی است که حسین استاد ولی به فارسی ترجمه و با عنوان **درس‌هایی از اخلاق** منتشر شد و همچنین کتاب دعایی با عنوان **المصباح المنیر** تدوین و منتشر ساخت.

۴. آیت‌الله عبدالحسین دستغیب شیرازی (۱۲۹۳ - ۱۳۶۰ ش) وی شاگرد سلوکی قاضی و پس از ایشان آیت‌الله آقا شیخ محمدجواد انصاری همدانی بود. این شهید والامقام که رحل اقامت در شیراز افکنده بود، مؤمنان آن دیار را با نفس گرم و زهد عملی خود، به سوی ترک دنیا و توجه به عالم غیب و تسلیم به حق تعالی دعوت می‌نمود. وی کتاب‌های اخلاقی **قلب سلیم**، **استعاذه**، **گناهان کبیره** و **داستان‌های شگفت** را تألیف نمود که به ویژه در دهه شصت و تا اواسط دهه هفتاد با استقبال چشمگیر جامعه روبه‌رو شد و ده‌ها بار به چاپ رسید.

۵. آیت‌الله شیخ علی پناه اشتیاردی (۱۳۰۱ - ۱۳۸۷ ش) ایشان در فقه از آیت‌الله گلپایگانی و شیخ مرتضی حائری و در معقول از علامه طباطبایی بهره برد و از شاگردان حلقه اخلاقی امام خمینی بود. ایشان از مدرسان و ممتحنین برجسته حوزه علمیه قم بود که دروس اخلاق هفتگی وی که بر محور روایات اهل بیت ارائه می‌شد، در مدرس زیر کتابخانه مدرسه فیضیه و بیت امام خمینی طی سال‌ها، محل گرد آمدن طالبان حقیقت و معنویت بود. ایشان زمانی طولانی از دوره زندگی را در کمال زهد و مناعت با نماز و روزه استیجاری گذراند. ایشان پس از آگاهی از ضعف مهارت متن‌خوانی طلاب، از تدریس دروس خارج عدول کرد و بیش از پنجاه سال به تدریس **شرح لمعه** پرداخت، از این عمل وی می‌توان به بی‌اعتنایی این عالم معنوی به شهرت و نام و جاه پی برد. نخستین اثر علمی ایشان تعلیمات اخلاقی نام دارد (بی‌نام، ۱۳۸۷؛ ۴؛ سلمان‌آرانی، ۱۳۸۵؛ ۴۷۳ - ۴۶۵).

۶. آیت‌الله میرزا علی احمدی میانجی (۱۳۰۵ - ۱۳۷۹ ش) شاگرد اخلاقی علامه طباطبایی بود. وی سال‌های متمادی در منزلی کوچک زیست و در مسجدی کوچک با ایراد مباحث اخلاقی به تربیت نفوس پرداخت. از خصوصیات این عالم فرزانه سوز و اشک خالصانه وی بود که مبدأ انقلاب احوال مخاطبان و تغییر در نفوس می‌گردید. این فقیه اخلاقی دو کتاب ارزشمند *مکاتیب الرسول* و *مکاتیب الائمة* را نگاشت که مشتمل بر نامه‌ها از جمله نامه‌های اخلاقی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام می‌باشد و نیز تحریر *المواعظ العددیه* که شرح کتاب آیت‌الله مشکینی است. منزلت اخلاقی ایشان در میان علما زبانزد بود. آیت‌الله جوادی آملی فرمود: «ایشان موفق شد هم باور کند و هم متخلّق شود و هم عمل کند و هم منتشر سازد. وقتی ایشان در میانه یا قم راه می‌رفتند، مصداق آیه «ینهون عن الفساد» بودند» (ن. ک: احمدی میانجی، ۱۳۹۰).

۷. آیت‌الله ابراهیم امینی نجف‌آبادی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۹ ش) از شاگردان آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی بود. این عالم عامل در همه صحنه‌های علمی و اجتماعی و سیاسی مشیی اخلاقی، متعادل و به دور از سطحی‌نگری و تعصب داشت و با بیان ساده و سرشار از دلسوزی و برخاسته از عمق ایمان، سال‌ها در مسند امامت جمعه شهر مقدس قم، به ایراد خطبه‌های مشتمل بر معارف اخلاقی و معنوی پرداخت. ایشان آثار متعددی به نگارش درآورد. ویژگی کتاب‌های ایشان قلم شیوا و روان در کنار اتقان مطالب است. وی کتاب‌های *خودسازی، الگوهای فضیلت و آیین تربیت* را در زمینه اخلاق و معنویت به نگارش درآورد.

۸. آیت‌الله حسین شب‌زنده‌دار جهرمی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۳) وی در عنفوان جوانی از فیض دو مرد الهی در جهرم و شیراز، یعنی آیت‌الله سید ابراهیم حق‌شناس و آیت‌الله ابوالحسن حدائق، بهره‌مند شد. پس از مهاجرت به قم در فقه و اصول در دروس متعدد مراجع مانند آیات بروجردی و امام خمینی شرکت کرد. وی همچنین محضر علامه طباطبایی، آیت‌الله بهجت را درک کرد و بهره‌های علمی و عملی برد. تواضع و اخلاص ایشان در حدی بود که دست و پای رزمندگان اسلام را می‌بوسید و می‌گفت من بدین بوسه افتخار می‌کنم. آیت‌الله جعفر سبحانی فرمود: «دو چیز در ایشان جلوه‌گر بود، یکی اخلاق فاضله و تواضع فراوان به گونه‌ای که در فیضیه برای دیگران سرمشق بود و اخلاق عالی او عملاً می‌توانست افراد را تربیت کند». ایشان شرح *دعای مکارم الاخلاق* را از خود به یادگار گذارد.

#### چهار. جریان دعایی - مناسکی

جریان دومی که ذیل رویکرد غیراجتهادی معارفی می‌تواند قرار گیرد جریان دعایی - مناسکی است (ن. ک: احمدپور و دیگران، ۱۳۸۶: صص ۳۱۱ - ۳۲۶). این رویکرد مناسکی که بر سه پایه عبادات مستحبی، ادعیه و مناجات‌ها و زیارت استوار است، تلاش می‌کند از طریق نیایشگری مستمر و توجه بر مداومت انواع مناسک عبادی، فرد مؤمن را در فضای مراقبه دائم و حضور ذهن و حضور قلب نگاه دارد تا جان

وی با یاد و ذکر مستمر خداوند و توجه مستمر به عبودیت و نیاز و فقر وجودی خود و نیز در کنار آن، اهمیت دادن به عنصر توسل به اولیای معصوم الهی، وسوسه‌های شیطان را از خود دور سازند و خواست حق را بر هوای نفس برتری بخشند و زنگار از دل بشویند تا با قلب سلیم به حضور خداوند سبحان باریابند. این رویکرد اخلاقی - معنوی نه تنها فضای ذهن مؤمنان را با معارف بلند قرآن صاعد پیوند می‌زند، بلکه دل آنان را به جلوات ربوبی گره می‌زند. در واقع در این سبک تربیتی، شعور پرستش و شور نیایش با هم ترکیب می‌شود و ساحت‌های اندیشه و احساس، بینش و گرایش فرد مؤمن را سیراب می‌سازد. از سویی پیشتر که مداحی رونق کنونی را نداشت، طیفی از دانش‌آموختگان حوزه متکفل مناجات‌خوانی‌ها و مجالس دعا بودند و یکی از شئون جامعه و عاظم به شمار می‌رفت؛ مثلاً در تهران آیت‌الله شیخ حسین زاهد که مؤسس و مدرسه علمیه هم بود، خود مناجات‌خوانی می‌کرد و پس از مرگش وصیت کرد که آقا سید علی میرهادی این کار را برعهده بگیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۸/ ۴۲۶) و این جریان در تهران با آقایان شیخ احمد کافی، خوانساری و شیخ حسین انصاریان ادامه یافت. شایان ذکر است که در چهار دهه پس از انقلاب بر تعداد و تنوع و قالب‌های نیایشگری و مناجات‌خوانی گروهی در کنار مناسک جمعی مانند اعتکاف‌های دسته‌جمعی و پیاده‌روی زیارت اربعین و... افزوده شده است.

جریان دعایی - مناسکی در تاریخ اندیشه شیعه در نخستین مرحله توسط شیخ طوسی و ابن قولویه با کتاب‌هایی همچون *مصباح المتجهد* و *کامل الزیارات* آغاز شد، اما در گام دوم رسماً توسط جناب سید بن طاووس ره با تصنیفات پرتعداد و متنوع و غنی خود پایه‌گذاری شد و بعد توسط افرادی همچون عالم تحریر جناب ابن‌فهد حلی با *عدة الداعی* و پس از وی کفعمی با *البلد الامین* و شیخ بهایی با *مفتاح الفلاح* و علامه مجلسی با *زاد المعاد* ادامه یافت تا در عصر حاضر به *خاتم المحدثین* جناب حاج شیخ عباس قمی شاگرد محدث نوری رسید. حاج شیخ عباس قمی را که فردی عمیقاً زاهد و پارسا بود، باید سردمدار این منهج در خودسازی و تهذیب در عصر حاضر دانست. وی به کثرت تصانیف مشهور است. ایشان سه کتاب در اخلاق نگاشته است که عبارتند از: *کلمات لطیفه*، *منازل الآخرة* و *مقامات علیه*. به برکت اخلاص وی آثار ایشان و به ویژه کتاب *مفاتیح الجنان* در میان عموم محبوبیت یافت.<sup>۱</sup>

بسیاری از ادعیه ماثوره، نوافل و مستحبات و زیارات ائمه اطهار در این کتاب تدوین شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته که می‌توان آن را زمره‌های معنوی و عرفانی مکتب تشیع و معارف اهل بیت نامید. محتوای این اثر به نحوی پردازش شده است که به باورها و رفتارهای مسلمانان شیعی

۱. البته حاج شیخ عباس قمی غیر از *مفاتیح الجنان*، هفت اثر دعایی - مناسکی دیگر به رشته تحریر درآورده که عبارتند از: *مقالید الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة*، *مقالد النجاح*، *فوائد الرجیة*، *هدیة الزائرین و بهجة الناصرین*، *التحفة الطوسیة* و ترجمه دو کتاب دعایی معروف *مصباح المتجهد* شیخ طوسی و *جمال الاسبوع* سید بن طاووس.

عینیت می‌بخشد و باعث می‌شود معنویت برخاسته از آموزه‌های پیامبر و اهل بیت او در سرتاسر زندگی شیعیان حضور داشته باشد. اساس رویکرد دعایی - مناسکی بر توجه مدام در طول شبانه‌روز و در طول همه ماه‌های سال بر شعائری است که با به پای داشتن آنها، برای فرد مؤمن ذکر مدام و توجه و مراقبه مستمر حاصل می‌شود و در کنار آن بهره‌مندی از معارف بلند ولوی و تولی و استشفاع و توسل به ذیل عنایات حضرات معصومین صلوات الله علیهم را به دنبال می‌آورد.

**مفاتیح الجنان** هم مشتمل بر منطق و نظم عمل الیوم و اللیله برای اعمال یومیه و هم الاقبال علی اعمال السنه برای مناسک و ادعیه وارده در هر ماه از سال است، آن‌چنان که جناب سید بن طاووس بدین دو اهتمام ورزید و هم مشتمل بر توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام به سان **المزار الکبیر** ابن مشهدی و **کامل الزیارات** ابن قولویه است. **مفاتیح الجنان** مجموعه‌ای قلمداد می‌شود که توانسته است این ضرورت را به آسان‌ترین شکل ممکن برای همه شیعیان خداجو و موالیان ائمه هدی علیهم‌السلام به سادگی ممکن سازد. نکته درخور توجه این است که در مورد پاره‌ای از مطالب وارد در ملحقات مفاتیح، مانند مطالب کتاب **الباقیات الصالحات** مطبوع در حاشیه مفاتیح، نقطه نظرهای اصلاحی وجود دارد که بنا به ضعف سند این مطالب، به ویرایش و پیرایش این مطالب اهتمام ورزیده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی با این هدف، بعد از پالایش این مطالب، کتاب مفاتیح نوین را روانه بازار کتب مذهبی نمود. شایان ذکر است که نگارش کتب ادعیه و مناسک به نوعی تداوم یافته است. امروزه شاهد تألیف برخی کتب دعا و مناسک هستیم از جمله:

دو کتاب **المصباح المنیر** و نیز **مفتاح الجنان** و **مصباح الجنان** از آیت‌الله علی مشکینی، **نهج الدعاء** از محمد محمدی ری‌شهری، **مفتاح الجنات** از سید محسن امین، **نهج العبادة** از محمود صلواتی و **آداب المریدین** (تحریری جدید از مفتاح الفلاح شیخ بهایی) از محمدتقی فیاض‌بخش.

#### شرح ادعیه، مناجات‌ها و زیارات

اهمیت و جایگاه دعا در شکل‌دهی به شخصیت اخلاقی و معنوی مؤمنان و گسترده‌گی حضور عنصر دعا در میان اقشار وسیع مردم خداجو از یکسو، تشنگی مؤمنان و خواص از شیعه به فهم عمیق‌تر معارف نورانی ادعیه از سوی دیگر و وجود برخی پرسش‌ها و ابهامات برای جوانان و تحصیل‌کردگان از سوم سو، سبب شد که برخی از علما و محققان به شرح و تفسیر ادعیه و زیارات اهتمام ورزند. اکنون مروری فشرده بر برخی از این آثار خواهیم داشت:<sup>۱</sup>

۱. شایان ذکر است که در فهرست ارائه شده، فقط شروح نگارش و انتشار یافته از سوی دانش‌آموختگان معاصر حوزه علمیه قم ارائه شده است، بنابراین شروح پیشین و شروح غیرحوزویان و دانش‌آموختگان سایر حوزه‌های علمیه و آثار غیرمکتوب و انتشارنیافته ذکر نشده



۱. شروح دعای مکارم الاخلاق: آینه مکارم از آیت‌الله روح‌الله خاتمی (م ۱۳۶۷ ش)، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق از محمدتقی فلسفی (م ۱۳۷۷ ش) و شرح قرآنی دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه از شیخ محسن قرائتی؛
۲. شروح دعای سحر: شرح دعای سحر از امام خمینی و شرح و تفسیر دعای سحر از آیت‌الله حسین مظاهری؛
۳. شروح دعای افتتاح: شرح فقراتی از دعای افتتاح از آیت‌الله حسینی تهرانی و ترجمه و شرح دعای افتتاح از آیت‌الله مهدوی کنی (م ۱۳۹۳ ش)؛
۴. شروح صحیفه سجادیه: از عرفان اسلامی: شرحی جامع بر صحیفه سجادیه از آیت‌الله مکارم شیرازی، شهود و شناخت از آیت‌الله حسن ممدوحی (م ۱۳۹۹ ش)، ترجمه و شرح نهج البلاغه از سید علی‌نقی فیض الاسلام (م ۱۳۶۴ ش) و تفسیر و شرح صحیفه سجادیه از شیخ حسین انصاریان؛
۵. شروح دعای کمیل: شرح دعای کمیل از آیت‌الله محمداسماعیل صائنی زنجانی، شرح و تفسیر دعای کمیل از آیت‌الله حسین مظاهری، شرح دعای کمیل از شیخ حسین انصاریان، و نیایش عارفان از دکتر محمد فنایی اشکوری؛
۶. شروح دعای ابوحمزه ثمالی: امید ناب از آیت‌الله احمدی میانجی، شرح فقراتی از دعای ابوحمزه ثمالی از آیت‌الله سید محمدحسین تهرانی و بشنوازی از شیخ علی صفایی حائری؛
۷. شروح دعای ندبه: شرح و تفسیر دعای عهد از آیت‌الله حسین مظاهری، النخبة فی شرح دعاء الندبة از سید محمود مرعشی و فروغ الولاية از آیت‌الله صافی گلپایگانی؛
۸. شروح زیارت عاشورا: کنز مخفی از آیت‌الله عبدالنبی عراقی (م ۱۳۸۵ ق)، زیارة عاشوراء تحفة من السماء از آیت‌الله مسلم داوری و شرح زیارت عاشورا، آیت‌الله عزالدین حسینی زنجانی (م ۱۳۹۲ ش)؛
۹. شروح مناجات شعبانیه: شرح مناجات شعبانیه از آیت‌الله محمد محمدی گیلانی (۱۳۰۷ - ۱۳۹۳ ش)، شرح و تفسیر مناجات شعبانیه از آیت‌الله حسین مظاهری و شرح مناجات شعبانیه از نورالله علیدوست خراسانی؛
۱۰. شروح زیارت جامعه کبیره: الانوار الساطعة فی شرح زیارة الجامعة الکبيرة از شیخ جواد حنایی کربلایی (م ۱۳۹۰ ش)، شرح زیارت جامعه کبیره از آیت‌الله اسماعیل صائنی زنجانی و شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره از سید عبدالله فاطمی‌نیا (م ۱۴۰۱ ش)؛

#### ۱۱. شروح مناجات خمس عشر: سجاده‌های سلوک از آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی، مناجات عارفان

از شیخ حسین انصاریان، تفسیر دعا از شیخ امیر غنوی<sup>۱</sup> و در بارگاه نور از شیخ نورالله علیدوست خراسانی. مراکز پژوهشی و پشتیبانی پژوهش: از کارهای مهمی که در دو دهه اخیر در حوزه علمیه قم درباره دعا انجام شده است تألیف المعجم الموضوعی لأدعية المعصومین توسط شیخ علی محمد بروجرودی در نه جلد است که ابزار مهمی برای دعاپژوهی در اختیار محققان معارف عترت قرار داده است. همچنین بنیاد بین‌المللی صحیفه سجاده توسط شیخ مرتضی وافی و بنیاد بین‌المللی دعا توسط شیخ علی محمد بروجرودی تأسیس شده است. شیخ علی باقری‌فر نیز در مؤسسه بشرا زمینه نیایش‌پژوهی را فراهم کرده است و حاصل آن کتاب‌شناسی دعا است.

#### پنج. رویکرد تربیت اجتماعی

این جریان در واقع یک گفتمان بزرگ است که طیفی از خرده‌گفتمان‌ها را در ذیل چتر خود پوشش می‌دهد. آنچه نقطه مشترک و عنصر مشترک این گفتمان را تشکیل می‌دهد عبارت است از اهمیت محوری دادن به عنصر تربیت در نگاه اخلاقی - معنوی و پرهیز از نگاه فردی و جامعه‌گریز و اهمیت بخشیدن به وجه اجتماعی تکامل اخلاقی - معنوی انسان. با این حال هر خرده‌جریانی بر برخی عناصر تأکید بیشتری دارد و به آنها کمابیش محوریت می‌بخشد. این رویکرد به دو مرحله قبل و بعد انقلاب تقسیم می‌شود. ابتدا جریان نخست که قبل از انقلاب مربوط می‌شود را ذکر می‌کنیم و سپس به دو جریان به انقلاب می‌پردازیم:

#### الف) جریان تربیت توحیدی جامعه‌ساز و تشکیلات‌محور

در تاریخ اجتماعی معاصر ایران، در مقطع پیش از انقلاب، چهار شهید مبارز آیت‌الله محمدحسین بهشتی، آیت‌الله علی قدوسی، حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر و حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد مباحث اخلاقی - تربیتی را در قالب برجسته‌سازی مباحث اجتماعی با پی‌رنگی از نگاه تشکیلاتی برای جوانان در داخل و خارج حوزه مطرح می‌کردند.

جریان تربیتی - سازمانی نوآمد که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، تربیت اخلاقی انسان مهذب و کارآمد را با هدف یکتاپرستی (ن. ک: حسینی بهشتی، ۱۳۷۹ الف و ۱۳۷۹ ب و ۱۳۹۲) از مسیر خانواده و محیط‌های آموزشی آغاز کرد.

از منظر این جریان اخلاقی، بسیاری از ضعف‌های اخلاقی و نقایص منشی و رفتاری که در دوران بزرگسالی دیده می‌شود، حاصل تربیت ناصحیح و ناخواسته والدین بوده است. به عنوان مثال: «از علل

۱. غنوی در ادامه به شرح مبسوط‌تر مناجات خمس عشر پرداخته و هر مناجات را در یک جلد با عنوان کلی پانزده قدم نزدیک‌تر شرح کرده است.

عمده‌ای که بچه‌ها تارک‌الصلوه می‌شوند یا به نماز اهمیت نمی‌دهند، این است که پدرشان با نماز این چنین برخورد می‌کرده است» (حسینی بهشتی، ۱۳۷۹: ۹۴). بنابراین خانواده نقش اول را در مسیر تربیت اخلاقی و معنوی فرزندان ایفا می‌کند. پس از خانواده، گروه همسالان و دوستان قرار دارند. والدین باید در انتخاب دوست برای فرزندان، نقش مشاور و راهنمایی خبره را ایفا نمایند و آنان را از انتخاب دوستان نالایق و ناشایست منع کنند: «اگر خانواده برای آنان هم‌بازی و رفیق متناسب با معیارهای تعلیم و تربیت اسلامی تأمین نکند، سراغ دوستان فاسد می‌روند و تلاش خانواده در تربیت آنها خنثی یا کم‌اثر می‌شود» (همو، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

محیط اجتماعی نقش مهمی در روند تعلیم و تربیت انسان ایفا می‌کند. «همان‌گونه که یک گل خوش‌بوی لطیف نازک، خیلی زودتر در برابر عوامل فساد متأثر و منفعل می‌شود و به فساد و پرمردگی می‌گراید، روح لطیف آدمی به مراتب از جسم او برای آلوده شدن، حساس‌تر و آماده‌تر است و به دلیل خاصیت قبول و انفعالش، ضمانت بیشتری می‌خواهد تا در برابر عوامل فساد محیط مصون بماند» (همو، ۱۳۷۹: ۱۸ - ۱۷). در عین حال، اثرگذاری عوامل اجتماعی و اثرپذیری از آنها محدود است. «هیچ انسانی محکوم هیچ اجتماعی نیست. کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی روی انتخاب آگاهانه انسان اثر می‌گذارد، اما نه در حد جبر، بلکه در حد اینکه انتخاب او را آسان‌تر یا دشوارتر، رفتن او را به این سو یا آن سو، آسان‌تر یا دشوارتر می‌کند» (همو، ۱۳۹۶: ۴۴).

اصل خودسازی یکی دیگر از اصول اساسی در مسیر تربیت اخلاقی انسان محسوب می‌شود. برای تحقق خودسازی، ابتدا لازم انسان خود را بشناسد و جایگاه ارزشمند و مورد تکریم خویش را ارج نهد. حس مسئولیت و تعهد در او رشد می‌کند و موضع‌گیری‌اش در برابر آفات و موانع، شکل دیگری پیدا می‌کند. چنین روحی مصمم‌تر است که خود را پاک و تزکیه کند (باهنر، ۱۳۵۸: ۲۰ - ۱۵). این جریان از دو ویژگی برخوردار بود:

**یکم. تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان آموزش و پرورش، در کنار عطف توجه به کادرسازی در حوزه علمیه**

یکی از مجاری پرورش اخلاقی - معنوی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، آموزش پرورش بود. در این راستا علما و فضلاء بزرگی قبل و بعد از انقلاب همت گماشتند و علی‌رغم مرارت‌های زیاد و فشار حکومت پهلوی، این مهم را با نگارش کتب درسی تعلیمات دینی برای دانش‌آموزان به سرانجام رساندند. طی سال‌های قبل از انقلاب، نخستین برنامه‌های آموزشی و تربیتی مبتنی بر اصول علمی آموزش و پرورش نوجوانان مطابق با مبانی تربیتی اسلام طراحی شد و دستاورد این تلاش‌ها، ساماندهی بنیادین کتب

تعلیمات دینی خصوصاً در دوره راهنمایی و دبیرستان بود که نوجوانان تشنه معرفت را با سرچشمه‌های ناب و زلال معارف دینی آشنا می‌ساخت. تأکید بر این بود که انسان آزادمرد و آزادزن واقعی، تربیت شود.

#### دوم. اهمیت دادن و جدی گرفتن روح جمعی و کار تشکیلاتی (ن. ک: هاشمی‌نژاد، ۱۳۴۰)

مؤثرترین روش برای تربیت نسل نوجوان، جوان و سالخورده که بر مبنای معیارهای اصیل مکتب باشد، ایجاد یک جریان نیرومند پرجاذبه معنوی - مادی است که افراد جامعه را در خود بکشد و آنها را طوری با خودش ببرد که از حداکثر زمینه مساعد و امکان، برخوردارشان کند (باهنر، ۱۳۵۸: ۶۰). در این مسیر، تحزب و سازمان‌یافتگی از اهمیت والایی برخوردار است. نیروها باید طوری هدایت و سازمان‌دهی شوند که به ایجاد یک جریان قوی منتهی شود. به جای تلاش‌های موضعی لازم است تلاش‌های گسترده و منسجم صورت گیرد و معلمان و مربیان در سرتاسر کشور، تشکلهای و کانون‌های اسلامی ایجاد کنند و جاذبه‌ای قوی برای دیگران فراهم نمایند. این جاذبه باید برگرفته از فطرت پاک انسانی و خصائل مثبتی نظیر صداقت، ایثار، انصاف، نورانیت و راستی، تواضع و رفتار خواهرانه و برادرانه با دیگران باشد (همان، ۱۳۵۸: ۶۶ - ۶۱).

در همین راستا و با نگاه اصلاحی به فرآیند و برنامه پرورشی طلاب، یکی دیگر از اقدامات این جریان، ایجاد تحول در تشکیلات حوزه علمیه بود. در جهت تحقق این هدف بود که آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله قدوسی در سال ۱۳۳۹ شمسی طرح تغییر و تحول حوزه و برنامه آموزشی - پرورشی یک مدرسه جدید را تدوین کردند. تأسیس مدرسه منتظریه یا مدرسه حقانی در قم حاصل اقدام این مدرسین نواندیش و تحول‌خواه حوزه علمیه قم بود (ن. ک: خالقی، ۱۳۹۸ و قریب بولک، ۱۳۸۲). روشن است که در این کار تشکیلاتی، پایه‌گذاران و راهبران این جریان پرورشی در پی کادرسازی برای حضور موثر اجتماعی و نقش‌آفرینی روحانیت در تغییر معادلات اجتماعی نیز بودند.

#### ب) جریان تربیت اجتماعی حرکت‌محور مسئولیت‌گرا - اندیشه شیخ علی صفایی حائری (۱۳۳۰ - ۱۳۷۸ش)

حجت‌الاسلام والمسلمین علی صفایی حائری در شهر قم متولد شد و از نوجوانی وارد حوزه علمیه شد. اساتید وی افزون بر پدر، آیات موسوی اردبیلی، محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی بودند.

آثار مهم تربیتی وی عبارت است از *انسان در دو فصل، مسئولیت و سازندگی، حرکت، نظام اخلاقی اسلام* (مروری بر دعای مکارم اخلاق)، *عوامل رشد رکود انحطاط، صراط، رشد، جمع‌ها و حاصل جمع‌ها و حیات برتر*. او این آثار را با تخلص عین - صاد منتشر می‌ساخت.

وی بر این باور بود که در میان نظام‌های نظری اسلام، نظام تربیتی بر سایر نظام‌ها اولویت دارد.

توجه وی در فرآیند تربیت، بر عناصر ویژه‌ای همچون مسئولیت و رسالت، حرکت و پویایی، رنج و ابتلا و حرکت و رشد متمرکز بود. وی منطق قرآن و حرکت انبیا را در مبارزه انسان مؤمن با جهالت و اسارت می‌داند.

برای تربیت شایسته انسان مربی‌ای لازم است که استعدادها و محدودیت‌های انسان، جهان خلقت، مبدأ و مقصد خلقت را به درستی بشناسد تا بتواند نقشه تربیتی صحیحی برای انسان طراحی کند. از وظایف مهم مربی می‌توان به تزکیه و در نتیجه آزادی، تعلیم و آموزش، و تذکر و یادآوری اشاره کرد. هندسه نظام اخلاقی اسلام یک هشت‌ضلعی است که با تفکر شروع می‌شود و با تفویض به پایان می‌رسد.<sup>۱</sup> مربی نقش مهمی در جهت‌دهی به تدبیر برای رسیدن به عمیق‌ترین برداشت‌ها از هر واقعه و حادثه در زندگی فرد و مدیریت تفکر فرد از طریق کمک به طرح سؤالات هدایت‌کننده و متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای فرد است (صفایی حائری، ۱۴۰۰: با تلخیص). مربی باید مراقب آزادی و حیطه اختیار مربی باشد و نباید مطالب را به او تلقین یا تحمیل کند. آنچه ضامن این آزادی و اختیار است، اکتفا ورزیدن مربی به واگذاری ملاک‌ها، کلیدها و روش‌ها به مربی است.<sup>۲</sup>

تربیت از نگاه صفایی حائری عبارت است از: به‌کارگیری ترکیب استعدادها و ویژگی‌های انسان، برای آزاد ساختن و حرکت دادن او به سوی وجودی برتر. سه شناخت پایه‌ای مهم‌ترین عوامل برای رهایی از جبرها و اسارت‌ها و محدودیت‌ها و نیل به آزادی است. این سه شناخت عبارتند از: ۱. عظمت وجود انسان (اگر انسان مجهول بماند، اسلام معلوم نخواهد شد. مادامی که انسان مجهول است، ضرورت دین‌داری و اصالت دین مشخص نمی‌شود)؛ ۲. شناخت وسعت هستی؛ ۳. شناخت عظمت، زیبایی و رحمت خداوند؛ اما رهایی یا آزادی، خود سه مرحله دارد:

۱. آزادی از جبرها؛

۲. آزادی از اسارت‌ها؛

۳. آزادی از آزادی.

صفایی حائری عمیقاً با دستگاه‌های تربیتی انزواپذیر و جامعه‌گریز مخالف است و این نگرش را کاملاً مخالف راهبرد تربیت قرآن کریم می‌داند. قرآن عمیقاً انسان مؤمن را به مسولیت‌پذیری و جهاد و حرکت

۱. شایان ذکر است که آنچه در متن آمده، براساس دیدگاه منعکس‌شده در کتاب مسئولیت و سازندگی است، اما در سیر تفکر صفایی حائری می‌توان پنج مدل اخلاقی - سلوکی را تشخیص داد؛ طبق تحقیق امیر غنوی (سخنرانی در چهاردهمین سالگرد ارتحال استاد صفایی) مراحل سلوک در این کتاب‌ها آمده‌اند: **مسئولیت و سازندگی**، فصل هفتم؛ **صراط**، تمام کتاب؛ کتاب **رشد**، پاورقی ص ۱۷. ۲. در گزارش این قسمت و بخش بعدی اندیشه تربیتی صفایی حائری به صورت مستقیم از دو منبع ارزشمند ذیل سود جست‌ام، برای تفصیل بیشتر ن. ک: شرفی و همکاران، ۱۳۹۴ و حقی، ۱۳۹۱.



و قیام و استقامت برای حل مشکلات قیام فرامی‌خواند (ن. ک: صفایی حائری، ۱۳۹۷: *درس‌هایی از انقلاب (قیام)*). از دیدگاه صفایی، روش تربیتی اسلام شیوه‌هایی چون تحمیل و تهدید را به رسمیت نمی‌شناسد و در عوض با فراهم آوردن زمینه لازم برای آزادی فرد، او را در برابر تردیدها و تهدیدها تجهیز و تقویت می‌کند و وی را به سوی تصفیه نفس و تجربه عمیق‌تر خودسازی هدایت می‌نماید. بدین‌سان، بحران‌ها او را از پا در نمی‌آورد، چنین فردی نستوهانه در میدان جهاد و مقاومت می‌ایستد.

به اعتقاد علی صفایی حائری، انسان اندیشمند، نیازمند شناخت قطعی و اطمینان‌بخش، یعنی یقین، است تا از کمند تردیدها برهد و استوار و محکم پای در مسیر تکامل نهد، هم‌اکنون رو است که اندیشه و دانسته‌هایش باید به علم‌خطاناپذیر مستند و به علم‌حضور منتهی شود، نکته اخلاقی کلیدی در این میان این است که هرچند راه کسب این علم‌حضور از پرسش آغاز می‌شود و با استدلال و استنتاج ادامه می‌یابد، اما با ذکر و توجه قلبی است که توسعه می‌یابد و با اخبات و اطمینان و تسلیم به قادر مطلق سبحانه و تعالی است که ژرفا می‌یابد. سپس حاصل این شناخت عمیق و تزلزل‌ناپذیر، همانا ثبات قدم در مسیر حرکت و اضطراب و اعتصام و استعانت و رشد خواهد بود؛ توسعه این فرآیند به صورت مداوم و بی‌پایان است که راهبر انسان به نقطه تکامل نهایی و سبب «فوز سالک» خواهد شد.

آثار و اندیشه صفایی حائری از اواسط دهه هشتاد در میان دانشجویان مذهبی توانست جای خود را باز کند. امروزه انتشارات لیلة القدر در قم ناشر اختصاصی آثار صفایی حائری است. نسلی از شاگردان وی، همچون حجج اسلام سید عباس لاجوردی، امیر غنوی، مسعود پورسیدآقایی و محمدتقی هادی‌زاده، هر یک به نوعی دستگاه فکری استاد را امتداد می‌بخشند.

### ج) جریان تربیت اجتماعی حماسی - حجة الاسلام محمدجواد حاج‌علی اکبری (۱۳۴۳ - تاکنون)

از دیرباز اندیشمندان میان «حماسه» با اخلاق و خودسازی از یکسو و تعالی و معنویت از دیگر سو رابطه‌ای خاص می‌دیدند.

مثلاً در حماسه‌نامه‌های منظوم مانند شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و یا حماسه‌نامه‌های منثور مانند سمک عیار، داراب‌نامه و فیروزشاه‌نامه، میان روح سلحشوری و فضیلت شجاعت با ارزش‌های اخلاقی ایثار و فداکاری، صبر و پایداری، بلن‌دهمتی و رادمردی، و ظلم‌ستیزی و دادجویی پیوند ناگسستنی برقرار می‌گردد. بی‌سبب نیست که در سده پنج هجری به بعد، اخلاق فتوت یا آیین عیاری و جوانمردی در اقتدای به شاه فتیان و امام متقیان علی بن ابی‌طالب علیه الصلاة والسلام شکل می‌گیرد و دامن می‌گسترند.

در میان دانش‌آموختگان حوزه علمیه با جریانی روبه‌رو می‌شویم که راهبرد اصلی در خودسازی و تعالی روحی و معنوی را تربیت اجتماعی - حماسی می‌دانند. حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج

علی اکبری، دانش‌آموخته حوزه علمیه تهران و قم است. جدا از حضور کوتاه‌مدت در قم و استفاده از محفل درس حضرات آیات بهجت و جوادی آملی، عمدتاً از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه قم مانند آیت‌الله امامی کاشانی و آیت‌الله خوشوقت و آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد بهره برده است.

حاج‌علی اکبری ایده تربیت حماسی را در سال ۱۳۸۱ به صورت مختصر در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی مطرح کرد. در طی سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۸ که رئیس سازمان ملی جوانان کشور بود، تلاش کرد تا یک مدل اجرایی برای این ایده طراحی و اجرا کند؛ با این هدف از اردوهای جهادی حمایت جدی کرد تا به یک جریان در میان نوجوانان و جوانان تبدیل گردد. در سال ۱۳۸۹ گفتار مبسوطی را با عنوان تربیت حماسی؛ چیستی و چرایی در تبیین تربیت حماسی منتشر کرد (حاج علی اکبری، بی‌تا؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹ و استادی‌مقدم، ۱۳۹۲). مطالب ذیل مستند به این گفتار است. مکتب تربیتی اسلام، قرآن حکیم و اهل بیت علیهم السلام، برای امروز و با شرایط خاص امروز، به ما یک رویکرد و گفتمان روشن را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند کارآمد و پاسخگوی نیازهای امروز ما باشد و آن تربیت حماسی است.

مهم‌ترین چالش امروز ما بحران هویت و جنگ هویت‌ها و در پی آن بحران هویت نسل نوجوان و جوان ماست. تربیت حماسی پویا، فعال و کنشگر، مربی‌محور و جامع عقلانیت و عاطفه است و می‌تواند نسل جوان ما را از بحران هویت عبور دهد.

تربیت حماسی یعنی همان تربیت دینی ناب و معتدل، با برجسته‌سازی عنصر حماسه و فتوت، متناسب با نیازهای زمان. اساساً از نظر قرآن کریم مؤمن، تنها زمانی که به وصف جهاد موصوف می‌شود - یعنی می‌شود «مؤمن مجاهد» - آن وقت است که پسندیده پروردگار می‌شود. قرآن کریم مؤمنان را به مؤمن قائد و مؤمن مجاهد تقسیم می‌کند و از بین این دو، خدای متعال مؤمن مجاهد را می‌پسندد. مؤمن قائد هم که پسندیده نیست، در واقع درست در مرز نفاق است.

عنصر دیگر که از مبانی تربیت حماسی به شمار می‌رود و در کنار جهاد و هجرت قرار دارد، مفهوم «شهادت» است که یکی از بالاترین درجات کمالی متصور برای یک مؤمن می‌باشد. مدرسه ممتاز تربیت حماسی، مدرسه عاشورا است. فرهنگ عاشورایی و الگوهای عاشورایی با تمام ابعاد و زیبایی‌هایش نمونه اعلی تربیت حماسی است.

حاج علی اکبری همچنین عنصر فتوت را در فهم تربیت حماسی عنصری کلیدی می‌داند و تأکید می‌کند آموزه «کُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» از رهنمودهای کلیدی امیرالمؤمنین (ع) در تربیت حماسی است.

سخن‌گویان و نظریه‌پردازان تربیت حماسی تلاش می‌کنند با نفی گزینه‌های مشابه نادرست، جلوی کج‌فهمی و برداشت‌های ناصواب از تربیت حماسی را بگیرند؛ از این رو تصریح می‌کنند:

- تربیت حماسی، تربیت منفعل و گلخانه‌ای نیست. تربیت حماسی تربیت تسلیم‌خواه و محدودکننده نیست.

- تربیت حماسی، ایستادگی بر موضع باطل و پافشاری بر ناحق نیست؛ بلکه گاهی مشتمل بر عقب‌نشینی و تغییر مسیر است (توبه حماسی).

- در حماسه، خستگی و استیصال از فضای بحران‌زده موجود، فرد را به مرز خشونت و رادیکالیسم نکشانده و از کوره در نمی‌برد. حماسه عکس‌العمل هیجانی نشان دادن و عصبانیت نیست. حماقت، بی‌تدبیری، جهالت و حاصل لجاجت یا صرفاً متفاوت بودن نیست. تماماً عقلانیت و رهایی از اسارت غضب و خواسته‌های فریبای دنیوی است.

- حماسه رود طغیانگری نیست که در مسیر خود آهنگ نابودی بنوازد؛ بلکه مانند سدی است که در مرحله آگیری ساکت و آرام و در مرحله آبدی خروشان و مواج است؛ بنابراین تمایزی ظریف بین ماجراجویی و حماسه وجود دارد. نهضتی که انسان‌ساز و جامعه‌ساز است در مقاطعی صلح و سکوت و فروخوردن خشم نیز در آن توجیه می‌یابد. این سکوت و قرار نیز عین حماسه است. صلح امام حسن علیه السلام پرافتخارترین و پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، یک حماسه است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶: ۶۰ - ۵۲).

دکتر احمد شاکرنژاد نیز کوشیده در حوزه مطالعات معنویت، با تعبیر «معنویت حماسی توحیدی» و «معنویت حماسی قهرمانانه» برای معنویت مطلوب اسلامی مفهوم‌سازی کند. نمایندگان و سخن‌گویان این رویکرد بر این باورند که نگاه تربیتی رهبران انقلاب اسلامی در این منظومه می‌گنجد.

حجج اسلام سید احمد راهنمایی *(اخلاق ولایی)*، علیرضا پناهیان (مجموعه صوت‌ها و درس گفتارهای «تنها مسیر»)، آقای اصغر طاهرزاده اصفهانی (کمابیش تمامی آثار) با اندکی تفاوت در ادبیات و نقطه تأکید، از منادیان این گفتمان و مروجان این رویکرد به شمار می‌روند.

## نتیجه

در این مقاله تلاش شد گونه‌بندی جریان‌های اخلاقی حوزه‌های علمیه ایران در یکصد سال اخیر ارائه شود. با مرور منابع کتابخانه‌ای اسنادی، فارغ از جریان اخلاق عقل‌گرا به معنای خاص که ناظر به رویکردهای کلامی، فلسفی و علوم تجربی است، سرانجام به پنج جریان اصلی اخلاقی - تربیتی در یکصد سال اخیر دست یافتیم که هر کدام حاوی رویکردهایی در دل خود هستند.

جریان اول، اخلاق سلوکی عرفانی است که دو رویکرد بزرگ مکتب نجف و مکتب تهران، نمایندگان

اصلی آن هستند. مشخصه بارز این جریان، توجه به ارتقاء معرفتی سالک الی الله از طریق تمرکز بر معرفت نفس است. هدف در این جریان اخلاقی، لقاء الله است. این رویکرد لزوم ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، تبعّد تام به شریعت، عشق و محبت، ضرورت استاد، همراهی مراقبه و فکر و ذکر را از جمله راهکارهای حرکت به سوی لقاء الله برمی‌شمرد.

رویکرد دوم، اخلاق اجتهادی است. در جریان اخلاق اجتهادی، اخلاق پژوه با تطبیق قواعد و اصول تفقه در فضای معارف اخلاقی قرآن و سنت، روش استنباطی را در چهارچوب علم الاخلاق پیاده کند و معارف اخلاقی را از دل ادله لفظی و منصوص منابع اصلی دین استخراج کند.

جریان سوم، جریان سنتی ترویج نظری و عملی معارف اخلاقی اسلام است که می‌کوشد با ارائه الگوی عملی و سبک زندگی معنوی و دایر کردن جلسات منظم درس اخلاق بهره‌گیری از روایات، به ویژه تأکید بر آموزه‌های اصلی جهاد با نفس، معادباوری، اجتناب از دنیا دوستی، رعایت تقوا و توجه جدی به ولایت اهل بیت، پیوند متربی را با عالم معنویت و آخرت مستحکم‌تر کند و وی را با قدم‌های حساب‌شده و تدریجی به سوی تزکیه نفس سوق دهد.

جریان چهارم، رویکرد اخلاق آدابی مناسبی است که تلاش می‌کند معارف و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام با زبان ذکر و دعا و زیارت، انتقال داده شود و پیوند بین مؤمنان و خداوند از رهگذر مداومت بر اذکار و اعمال مستحب ماثور مستحکم‌تر شود و پیوند میان شیعیان و اهل بیت علیهم‌السلام با زیارات و استشفاع عمیق‌تر گردد.

جریان پنجم، می‌تواند رویکرد تربیت اجتماعی نامیده شود. این جریان، جریانی عدالت‌محور و استبدادستیز است که قبل از انقلاب آغاز شد و تا بعد از انقلاب نیز ادامه یافت. این جریان کوشید اخلاق مسئولیت‌پذیری نسبت به اجتماع را در انسان نهادینه کند و با تکیه بر آموزه‌های مکتب عاشورا، اخلاق حماسه‌محور را سرلوحه خویش قرار دهد. این جریان سه خرده‌گفتمان را در دل خود جای داده است. رویکرد اول، در مباحث تربیتی بر حضور موثر اجتماعی از رهگذر لزوم ایجاد تشکیلاتی منسجم و انجام کارهای تربیتی و تبلیغی سازمان‌مند، تأکید و بر نقش مربی در مسیر تربیت تأکید ویژه‌ای دارد که پرچمدار آن شهید بهشتی و شهید قدوسی و تا حدودی شهید باهنر بودند. رویکرد دوم از آن شیخ علی صفایی حائری است که تربیت حرکت‌محور و مسئولیت‌گراست. در این نگرش بر به‌کارگیری ترکیب استعدادها و ویژگی‌های انسان، برای آزاد ساختن و حرکت دادن او به سوی وجودی برتر تأکید می‌رود.

رویکرد سوم به دنبال مدل‌سازی تربیت حماسی و اخلاق مبارزه و مقاومت و فراگیر ساختن آن است. عناصر مجاهدت، هجرت و شهادت در این رویکرد تربیتی پررنگ است و الهام گرفتن از مکتب عاشورا در کانون توجه قرار دارد.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. احمدپور، مهدی و همکاران (۱۳۸۶). *کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی*. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. احمدی میانجی، علی (۱۳۹۰). *به سوی نور: مجموعه سخنرانی‌های فقیه اخلاقی آیت‌الله علی احمدی میانجی*. قم: دار الحدیث.
۳. استادی‌مقدم، محمدحسن (۱۳۹۲). *گفتارهایی در تربیت حماسی*. قم: نشر امام عصر.
۴. اسدی، اکبر (۱۴۰۲). *سلوک معنوی مجموعه گفتارها و خاطرات آیت‌الله بهاء‌الدینی*. تهران: انتشارات واژه‌پرداز اندیشه.
۵. امید، مسعود (۱۳۸۹). *نگاهی به گستره اخلاق پژوهی*. *عیار پژوهش در علوم انسانی*. ۴ (۴). ۱۴۸ - ۱۲۵.
۶. باقری بیدهندی، ناصر (بی‌تا). *رجال قم: بی‌جا: بی‌نا*.
۷. باهنر، محمدجواد (۱۳۵۸). *خودسازی*. *نشریه حزب جمهوری اسلامی ایران*. ۳ (۱).
۸. باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷). *سیری در عقاید و اخلاق اسلامی*. تهران: نشر شاهد.
۹. بوسلیکی، حسن (۱۳۹۱). *تعارض اخلاقی و دانش اصول فقه: بازخوانی ظرفیت‌های اصول فقه در حل تعارضات اخلاقی*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. تحریری، محمدباقر (۱۳۸۶). *نجوای عارفانه: شرح مناجات شعبانیه*. تهران: نشر سبحان.
۱۱. تحریری، محمدباقر (۱۴۰۰). *عروج عقل شرح حدیث جنود عقل و جهل*. قم: بوستان کتاب.
۱۲. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۹ الف). *اخلاق ربانی*. تهران: نشر مصابیح الهدی.
۱۳. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۹ ب). *ادب الهی*. تهران: نشر مصابیح الهدی.
۱۴. توکل، سید رحیم (۱۳۹۱). *مصاحبه نشریه رایحه (ویژنه‌نامه بررسی اندیشه و شخصیت علمی آیت‌الله مظاهری)*. ۲۶ (۴). ۴۵ - ۴۴.
۱۵. جمعی از مؤلفان (۱۳۹۶). *حاج آقا مجتبی*. تهران: مصابیح الهدی.
۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). *نگاهی به زندگی آیت‌الله حاج شیخ علی‌پناه اشتهااردی*. *مجله پگاه حوزه (ویژه حوزه‌های دینی)*. ۱۳ (۱).
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: نشر اسراء.
۱۸. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۹۹). *هزارویک کلمه*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.



۱۹. حسن زاده، صادق (۱۳۸۴). *گنجینه اخلاق جامع الدرر فاطمی*. تهران: انتشارات بین‌الملل.
۲۰. حسینی بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۷۹ الف). *سرود یکتاپرستی*. تهران: نشر بقیه.
۲۱. حسینی بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۷۹ ب). *خدا در قرآن*. تهران: نشر بقیه.
۲۲. حسینی بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۸۱). *نقش آزادی در تربیت کودکان*. تهران: نشر بقیه.
۲۳. حسینی بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). *درس گفتارهای فلسفه دین*. تهران: نشر روزنه.
۲۴. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۱۶). *توحید علمی و عینی*. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی.
۲۵. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۱۶). *لب الباب*. تهران: حکمت.
۲۶. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۶). *مهر تابان*. مشهد: انتشارات نور ملکوت قرآن.
۲۷. حکیم، محمدعلی (۱۳۴۰). *لطائف العرفان*. تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. خالقی، امین (۱۳۹۸). *یک روایت معتبر درباره مدرسه حقانی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۹. دلیری، کاظم (۱۳۹۳). *درآمدی بر سبک بندگی: اعتدال عبادی در سیره معصومان*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. رازی، محمدشریف (۱۳۷۰). *گنجینه دانشمندان*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۳۱. رضائی، اباذر (۱۳۹۰). «شاخصه‌های مکتب عرفانی نجف». *حکمت عرفانی*. ۱ (۱). ۴۲ - ۲۵.
۳۲. سعادت‌پرور (پهلوانی تهرانی)، علی (۱۳۸۵). *سر الاسراء*. تهران: انتشارات احیاء کتاب.
۳۳. سلمانی آرانی، حبیب‌الله (۱۳۸۵). استاد پارسایی شیخ علی پناه اشتهاردی. *گلشن ابرار*. تهران: معروف.
۳۴. شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷). *رشحات البحار*. ترجمه زاهد ویسی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. شرفی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناختی در اندیشه‌های علی صفایی حائری و اصول تربیتی ناظر بر آن. *فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*. ۲ (۱). ۷۷ - ۱۰۱.
۳۶. شمس، قدیرعلی (۱۴۰۲). *فقه الاخلاق*. قم: نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۷. شیخ، محمود (۱۳۹۴). *جایگاه مکاتب عرفانی نجف و تهران در عرفان امام خمینی (ره)*. پرتال امام خمینی. بازیابی شده در ۱۴۰۳/۷/۲ از: <https://B2n.ir/z63906>
۳۸. شیخ، محمود (۱۴۰۰). *مکتب اخلاقی عرفانی*. نجف: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۹. صدر، سید محمد (۱۴۲۷). *فقه الاخلاق*. قم: دار الانوار الهدی.
۴۰. صفائی حائری، علی (۱۳۸۵). *انسان در دو فصل*. قم: نشر لیلۃ القدر.

۴۱. صفائی حائری، علی (۱۳۹۷). *تطهیر با جاری قرآن*. قم: نشر لیلہ القدر.
۴۲. صفایی حائری، علی (۱۴۰۰). *مسئولیت و سازندگی: روش تربیتی اسلام*. ج ۱. قم: نشر لیلہ القدر.
۴۳. صفائی حائری، علی (۱۳۸۶ الف). *حرکت*. قم: نشر لیلہ القدر.
۴۴. صفائی حائری، علی (۱۳۸۶ ب). *مسئولیت و سازندگی*. قم: نشر لیلہ القدر.
۴۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). *رساله الولایه*. قم: انتشارات مؤسسه اهل‌البیت (ع).
۴۶. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۲). *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۷. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۶). *راہبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۸. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۷). *استنباط حکم اخلاقی از متون دینی و ادله لفظی*. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۹. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۴۰۰). *آشنایی با فقه اخلاق*. قم: نشر خلق.
۵۰. عزیززاده، مهدی (۱۳۹۷). *اخلاقی نگاشت عالمان شیعه؛ شخصیت‌ها، آثار و دیدگاه‌ها*. قم: کنگره بین‌المللی نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی.
۵۱. غنوی، امیر (۱۳۹۲). *سلوک اخلاقی (طرح‌های روایی)*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۲. غنوی، امیر (۱۳۹۳). *درآمدی بر فقه اخلاق*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۳. غنوی، امیر (۱۳۹۷). *سلوک اخلاقی (طرح‌های برگرفته از کتاب و سنت)*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۴. فراهانی، مجتبی (۱۳۸۳). *سلسله موی دوست: خاطرات دوران تدریس امام خمینی*. مقدمه آیت‌الله عمید زنجانی. تهران: انتشارات دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۵۵. قریب بلوک، حلیمه (۱۳۸۲). *آیه اخلاص شهید آیت‌الله قدوسی*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). *الکافی*. قم: انتشارات دار الثقلین.
۵۷. لقمانی، احمد (۱۳۸۵). *گلشن ابرار*. قم: نشر معروف.

۵۸. مرتضوی، علی حیدر (۱۳۸۷). *فیلسوف فطرت نگاه‌ی به احوال و افکار عارف حکیم آیت‌الله شاه‌آبادی*. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱). *در جست‌وجوی عرفان اسلامی*. تدوین و نگارش محمدمهدی نادری قمی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶۱. مظاهری، حسین (۱۳۹۲). *دانش اخلاق اسلامی. پیش‌نوشت تحریر فارسی*. ترجمه مجید هادی‌زاده. اصفهان: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان.
۶۲. مظاهری، حسین (۱۴۳۲). *دراسات فی الاخلاق و شئون الحکمة العلمیة*. اصفهان: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *اخلاق در قرآن*. قم: نشر مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام).
۶۴. ملکی تبریزی، میرزا جواد (۱۳۸۸). *لقاء الله*. قم: نشر بیدار.
۶۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶۶. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴). *شرح دعای السحر*. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). *سر الصلوة*. تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶۸. هادی‌زاده، مجید (۱۳۹۱). *مصاحبه با نشریه رایحه (ویژه‌نامه بررسی اندیشه و شخصیت علمی آیت‌الله مظاهری)*. ۲۶ (۱). ۲۰ - ۲۲.
۶۹. هاشمی‌نژاد، عبدالکریم (۱۳۴۰). *ضرورت تشکیلات*. تهران: حزب جمهوری اسلامی.